



بررسی کتاب
«فرقه دموکرات آذربایجان»
از تخلیه تبریز تا مرگ پیشه‌وری»

در صفحه ۳

چهارشنبه ۱۹ آذر ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۶۰ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۳

نقش آرشیه‌های شوروی در افشای ماهیت فرقه‌ی دموکرات آذربایجان؛

درس‌های ۲۱ آذر ۱۳۲۵ برای امروز ایران

طرح نو؛ سردبیر
واقعاً ۲۱ آذر ۱۳۲۵، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران است که ابعاد آن فراتر از یک درگیری داخلی ساده بود. این قیام، نخستین آزمون جدی برای تثبیت حاکمیت ملی ایران در برابر جاه‌طلبی‌های گسترده شوروی پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شد. در آن مقطع، شمال غرب کشور، تحت اشغال نظامی ارتش سرخ، تبدیل به محلی برای آزمایش تئوری‌های تجزیه‌طلبانه شده بود. «فرقه دموکرات آذربایجان» با رهبری جعفر پیشه‌وری، نه تنها نمادی از شورش منطقه‌ای، بلکه ابزاری در دست کرملین برای فشار بر دولت مرکزی تهران بود تا امتیازات حیاتی، به‌ویژه در حوزه نفت، به دست آید. در واقع، استراتژی شوروی در منطقه قفقاز و آسیای میانه، بازتولید و صدور انقلاب کمونیستی از طریق ایجاد دولت‌های حائل بود و آذربایجان ایران، هدف اصلی این طرح قلمداد می‌شد.....

گزارش

۲

بررسی ابهامات درباره‌ی زندگی سیاسی و مرگ سید جعفر پیشه‌وری؛

پایانی تراژیک برای «مردی ساده لوح»

طرح نو؛ سردبیر
سید جعفر پیشه‌وری، یکی از چهره‌های عجیب و غریب عالم سیاست در تاریخ معاصر ایران است که به تعبیر برخی پژوهشگران، فردی ساده‌لوح بود. البته سیاست‌بازی‌های پیشه‌وری را نباید در نقش کوتاه وی در صدارت بر حکومت یک ساله فرقه در آذربایجان خلاصه کرد؛ چون او پیش از افتادن در دام استالین، راه پر فراز و نشیبی در سیاست ایران پیموده بود؛ از وزارت در نهضت جنگل میرزا کوچک خان تا روزنامه‌نگاری و مقابله و مبارزه با استبداد رضا شاهی! اما چرا فردی با این همه تجربه در امور سیاسی، در دامی که شوروی برایش چیده بود افتاد؟

فعالیت‌های سیاسی پیشه‌وری

فعالیت‌های سیاسی و اصولاً زندگی پیشه‌وری را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱- دوره جوانی و فعالیت‌های اولیه: پیشه‌وری از همان جوانی به فعالیت‌های سیاسی و روزنامه‌نگاری روی آورد. وی در این دوره به مبارزه

یادداشت

۴

یادداشتی برای مادر؛
بهترین بخش زندگی که نقشی بی‌بدیل در سرنوشت هر کدام از ما ایفا می‌کند؛

مادر؛ آغوشی از امید و امنیت



گزارش

۶

آذرآبادگان؛ دیوار آزادگان

گزارش

۶

تاملی بر کتاب؛ اتحاد جماهیر شوروی - ایران؛

بحران آذربایجان و جنگ سرد

تولد یک بحران دست‌ساز توسط شوروی؛

بررسی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان و سرنوشت بازماندگان آن

در صفحه ۲



نجات آذربایجان از دست فرقه پیشه‌وری

نگاهی به روزنامه‌ی «آکشام» چاپ ترکیه



روزنامه «آکشام» با تیترو «آخرین خبرها از آذربایجان» و طی یک مقاله به موضوع فرار فرقه دموکرات پیشه‌وری از آذربایجان پرداخته بود. برخی مطالب مهم این روزنامه بدین شرح بود:

مردم تبریز سربازان ایرانی را روی شان‌هایشان حمل کردند

نیروهای ایرانی، وارد تبریز شدند

جشن‌های بزرگی، برگزار می‌شود

پیشه‌وری فرار کرد



طرح نو

بررسی ابهامات درباره‌ی زندگی سیاسی و مرگ سید جعفر پیشه‌وری؛

پایانی تراژیک برای «مردی ساده لوح»



دیدگاه‌های سیاسی پیشه‌وری

درک عمیق از دیدگاه‌های سیاسی پیشه‌وری، کمک می‌کند تا نقش او را در تحولات سیاسی ایران و آذربایجان بهتر درک کنیم:

۱- تأثیر اندیشه‌های سوسیالیستی بر پیشه‌وری به وضوح قابل مشاهده است. وی به عدالت اجتماعی، برابری و رفع نابرابری‌های اقتصادی اعتقاد داشت. همان دیدگاهی که کمونیست‌ها به شدت در حال تبلیغ آن در جهان سرمایه‌داری بودند.

۲- او پیش از افتادن در دام استالین، به شدت با دخالت قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران مخالف بود. وی معتقد بود که استقلال و آزادی ایران در گرو رهایی کردند که دیگر نمی‌توانند در مقابل این نیروها مقاومت کنند. خیر حرکت ارتش به سمت آذربایجان هم به خودی خود باعث شده بود تا مردم زجر دیده‌ی آذربایجان دست به کار شده و شروع به تسویه حساب با فرقه‌چی‌ها بکنند.

۳- پیشه‌وری همچنین به دموکراسی و مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور اعتقاد داشت. وی بر این باور بود که

طرح نو؛ سردبیر سید جعفر پیشه‌وری، یکی از چهره‌های عجیب و غریب عالم سیاست در تاریخ معاصر ایران است که به تعبیر برخی پژوهشگران، فردی ساده‌لوح بود. البته در صدارت بر حکومت یک ساله‌ی فرقه در آذربایجان خلاصه کرد؛ چون او پیش از افتادن در دام استالین، راه پر فراز و نشیبی در سیاست ایران پیموده بود؛ از وزارت در نهضت جنگل میرزا کوچک خان تا روزنامه‌نگاری و مقابله و مبارزه با استبداد رضا شاه! اما چرا فردی با این همه تجربه در امور سیاسی، در دامی که شوروری برایش چیده بود افتاد؟

فعالیت‌های سیاسی پیشه‌وری

فعالیت‌های سیاسی و اصولاً زندگی پیشه‌وری را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره جوانی و فعالیت‌های اولیه: پیشه‌وری از همان جوانی به فعالیت‌های سیاسی و روزنامه‌نگاری روی آورد. وی در این دوره به مبارزه با استبداد و دیکتاتوری پرداخت و به دنبال ایجاد تغییرات اجتماعی بود. پیشه‌وری در جوانی با اندیشه‌های سوسیالیستی آشنا و تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفت. این آشنایی در دوران تحصیل در باکو و ارتباط با فعالان سیاسی چپ‌گرا صورت گرفت. وی در حزب عدالت، یکی از احزاب چپ ایران، عضویت یافت و به عنوان یکی از اعضای فعال آن فعالیت می‌کرد.

پیشه‌وری به عنوان یک روزنامه‌نگار فعال، در نشریات مختلف به قلم‌زنی پرداخته و دیدگاه‌های سیاسی خود را مطرح می‌کرد. او در روزنامه‌هایی مانند «حریت» و «آزیر» به انتقاد از وضعیت موجود و دفاع از حقوق مردم می‌پرداخت. پیشه‌وری در دوران حکومت رضاشاه، به مبارزه با استبداد و دیکتاتوری پرداخته و به همین دلیل چندین بار دستگیر و زندانی شد.

۲- تشکیل فرقه‌ی دموکرات آذربایجان: با حمایت مالی و نظامی شوروی، فرقه‌ی دموکرات آذربایجان

دولت شوروی هم که از ابتدا از فرقه دموکرات حمایت می‌کرد، با تغییر شرایط بین‌المللی و فشارهای سیاسی، حمایت خود را از این حکومت کاهش و به پیشه‌وری توصیه کرد که منطقی‌تر ترک کند.

ترس از دستگیری و محاکمه: پیشه‌وری و همراهانش به خیانت به کشور منتهم شده بودند و انتظار داشتند که پس از دستگیری با محاکمه‌ای سخت روبرو شوند. حکومت مرکزی ایران نیز به دنبال سرکوب مخالفان سیاسی خود بود و پیشه‌وری به عنوان یکی از چهره‌های اصلی مخالفان، هدف اصلی این سرکوب‌ها بود.

- حفاظت از جان خود: پیشه‌وری و همراهانش احساس می‌کردند که جان آن‌ها در خطر است و برای حفظ جان خود مجبور به فرار شدند. همچنان که در سطور بالا نیز اشاره شد، مردم آذربایجان که از فرقه‌ی دموکرات متضرر شده بودند، به دنبال انتقام‌جویی از پیشه‌وری و همراهانش بودند و این کار را برای آنها سخت کرده و راهی به جز فرار را برای آنان باقی نگذاشته بود.

زندگی در تبعید و مرگ مشکوک

پس از فرار به باکو، پیشه‌وری و اعضای فرقه در شرایطی دشوار به سر می‌بردند. اختلافات پیشه‌وری با میرجعفر باقروف، رهبر جمهوری آذربایجان شوروی، نیز مزید بر علت شده و بر پیچیدگی زندگی او افزوده بود. این «مرد ساده لوح» که در اواخر عمر خود دریافته بود تنها بازپس‌چی در دستان حکومت شوروی بود، به شدت به رفتارهای مسکو و برخورد خشن با خود و اعضای فرقه اعتراض می‌کرد. در نهایت نیز در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۲۶، در یک سانحه‌ی رانندگی مشکوک و ساختگی در باکو کشته شد.

اما در پایان باید گفت که سرنوشت تراژیک سید جعفر پیشه‌وری، همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین رو به زوال گذاشت و پیشه‌وری و همراهانش احساس کردند که دیگر نمی‌توانند در مقابل این نیروها مقاومت کنند. خیر حرکت ارتش به سمت آذربایجان هم به خودی خود باعث شده بود تا مردم زجر دیده‌ی آذربایجان دست به کار شده و شروع به تسویه حساب با فرقه‌چی‌ها بکنند.

گزارش

تولد یک بحران دست‌ساز توسط شوروی

بررسی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان و سرنوشت بازماندگان آن

مرکزی ابراز و برای بازگشت تلاش کرد. سرانجام، پس از سال‌ها تلاش و خواهش مکرر و مراجعه به سفارت ایران در مسکو، توانست با کسب مجوز، به ایران بازگردد. این بازگشت، نمادی از طرد شدن تاریخی ایدئولوژی فرقه حتی توسط نزدیک‌ترین افراد بود.

- داریوش پیشه‌وری، فرزند سید جعفر پیشه‌وری، یکی از مهم‌ترین مثال‌ها در این زمینه است. او که وارث نام خانوادگی رهبر فرقه بود، مسیر کاملاً متفاوتی را در پیش گرفت. پس از فرار پدرش و در حالی که خود در شوروی زندگی می‌کرد، در مقطعی تصمیم به کسب کامل گرفت. او با ترک شوروی، به سفارت ایران در آلمان غربی پناهنده شد. این اقدام فرزند رهبر فرقه دموکرات، اعتراف ناخوسته‌ای به ماهیت جدایی‌طلبانه و نادرست ریشه‌های تشکیل آن بود. این حرکت نشان داد که نسل بعد، هویت ملی ایرانی را بر میراث سیاسی پدران خود ترجیح داده است، زیرا درک کرده بودند که آن پروژه، مشروعیت مردمی نداشته و صرفاً پروژه‌ای ژئوپلیتیکی بوده است.

بازگشت فرزندان به ایران و نفی علنی مواضع پدرانشان، دو پیامد مهم داشت: یکم تأیید شکست ایدئولوژیک فرقه در بلندمدت و دوم اثبات قدرت پیوند هویت ایرانی بر مرزهای مصنوعی ایدئولوژیک.

درس‌هایی از یک کودتای نافرجام

تجربه فرقه دموکرات آذربایجان، درسی ماندگار در تاریخ معاصر ایران است. این جنبش، که با تکیه بر حمایت خارجی (شوروی) و در تضاد با اراده اکثریت مردم آذربایجان شکل گرفت، عمر کوتاهی داشت. اگرچه شعارهای فرقه بر محوریت زبان و فرهنگ محلی بود، اما هسته مرکزی آن، زیر فشار استالینسم و جاسطی‌های منطقه‌ای شوروی عمل می‌کرد و نه خواست‌های اصیل مردم. این امر باعث شد که در مواجهه با اقتدار دولت مرکزی، هیچ پشتوانه مردمی عمیق و ریشه‌داری برای ادامه مقاومت وجود نداشته باشد.

سرنوشت تلخ رهبران آن در تبعید (اغلب تحت کنترل دستگاه‌های شوروی) و بازگشت فرزندان‌شان به آغوش ملت، تأکیدی است بر این حقیقت که تلاش برای تجزیه مناطق ایران، هرگز نمی‌تواند بر پیوند ناگسستنی هویت ملی ایرانی غلبه کند. این واقع، نه یک جنبش ملی، بلکه یک مداخله ژئوپلیتیکی بود که با اتکاء به مردم شکست خورد و میراث آن با نفی نسل‌های بعدی به پایان رسید.



در حوادث رانندگی یا سکنه قلبی مشکوک) در باکو کشته شد. این پایان، نشان داد که برای مسکو، وفاداری رهبران محلی تنها تا زمانی ارزشمند بود که پروژه تجزیه‌طلبی فعال بود. پس از شکست پروژه، آنها به ابزارهایی تبدیل شدند که باید در محلی امن و دور از تأثیرگذاری باقی می‌ماندند.

فرزندان که راه پدران را نرفتند

نقطه عطف تاریخی در این ماجرا، سرنوشت خانواده‌های اعضای ارشد فرقه دموکرات است که خود گویای شکست ایدئولوژیک آن است. این فرزندان و همسران، برخلاف میل ایدئولوژیک پدران خود، راه بازگشت به هویت ملی ایرانی را برگزیدند و این بازگشت، تأییدی بر مشروعیت ملی شکست‌خورده آن فرقه بود.

مقاومت در برابر میراث سیاسی پدر، برای خانواده‌هایی که در خاک شوروی مستقر شده بودند، یک انتخاب ایدئولوژیک بود. این افراد که خود هرگز درگیر سیاست‌های جدایی‌طلبانه نبودند، هویت ایرانی خود را بر میراث سیاسی پدران‌شان ترجیح دادند. - همسر جعفر پیشه‌وری: معصومه مصور رحمانی، پس از سقوط فرقه و در شرایطی که همسرش در شوروی به سر می‌برد، سال‌ها در وضعیت بلاکلیفی زندگی کرد. او با وجود موقعیت سیاسی همسرش، همواره وفاداری خود را به دولت

فرقه پس از سقوط را از دو زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد: اعدام‌ها و مجازات‌های محلی: معذودی از عناصر سطح پایین‌تر که در تبریز باقی ماندند یا تلاش کردند با دولت مرکزی سازش کنند، دستگیر و مجازات شدند. این افراد به عنوان خائنین به کشور معرفی و پیش از آمدن ارتش توسط مردم محلی مجازات شدند.

تبعید در شوروی: اما اکثریت قاطع رهبران اصلی فرقه، از جمله جعفر پیشه‌وری و دیگر اعضای کابینه فرقه، به شوروی گریختند و در ابتدا تحت حمایت مسکو قرار گرفتند. پیشه‌وری و یارانش در پناهگاه شوروی، زندگی در انزوا را آغاز کردند. شوروی آنها را فعال نگه داشت اما اجازه نداد تا دوباره به مهره‌هایی با استقلال عمل تبدیل شوند. آنها مجبور بودند در محافل روشنفکری مهاجران شوروی به فعالیت‌های محدود بپردازند و مجلات وابسته به مسکو را منتشر کنند. نکته قابل تأمل در این دوره، پایان عمر بسیاری از این رهبران است. برخی از مقامات فرقه، از جمله وزرای کابینه، یا در حوادث مشکوک رانندگی که احتمال دخالت مسکو در حذف مهره‌های غیرقابل اعتماد یا آنهایی که دیگر کارایی نداشتند مطرح است، جان باختند، یا تا پایان عمر تحت نظارت دقیق دستگاه‌های امنیتی شوروی باقی ماندند.

جعفر پیشه‌وری خود در سال ۱۳۳۲ (بر اساس منابع مختلف،

در نهایت فرقه دموکرات با شعارهای محلی‌گرا و وعده اصلاحات ارضی و استفاده از زبان ترکی در ادارات، توانست در شهریور ۱۳۲۴ حکومت خودمختار آذربایجان را در تبریز تشکیل دهد و به سرعت کنترل بخش‌های وسیعی از استان را به دست گیرد. این حکومت علیرغم تلاش برای القای ماهیت ملی، ماهیت واقعی خود را حفظ کرده بود: یک دولت دست‌نشانده که فرمان‌هایش با باکو صادر می‌شد.

ساختار اداری این دولت بر پایه اصول شوروی کمونیستی بنا شده بود و تصفیه گسترده‌ای از مدیران و روشنفکران طرفدار دولت مرکزی تهران صورت گرفت. مدارس، رسانه‌ها و سازمان‌های دولتی تحت کنترل شدید ایدئولوژیک قرار گرفتند. این فرقه با صدور قوانینی در زمینه‌های آموزش و کشاورزی سعی داشت مشروعیتی محلی کسب کند، اما این اقدامات در سایه حضور نیروهای نظامی شوروی صورت می‌گرفت.

اما پایداری این فرقه تنها یک سال به طول انجامید. این سقوط نه ناشی از مداخله مستقیم خارجی (مانند حمله نظامی مستقیم از جنوب)، بلکه به دلیل بیدار شدن حس ملی‌گرایی مردم آذربایجان و حمایت قاطع آنان از تمامیت ارضی ایران بود. مقاومت مردمی از اوایل سال ۱۳۲۵ به صورت سازمان‌نیافته آغاز شد. دهقانان و اهالی شهرها که در ابتدا به وعده‌های اقتصادی فرقه امیدوار بودند، به سرعت دریافته‌اند که این حکومت در عمل، ابزاری برای دخالت خارجی و تضعیف هویت ایرانی است.

و زمانی که ارتش ایران برای بازپس‌گیری آذربایجان وارد عمل شد، نیروهای نظامی فرقه به سرعت از هم پاشیدند. دو عامل کلیدی در این سقوط نقش داشت: یک تعهد شوروی به خروج از شمال ایران و تقویت نظام همبستگی ملی!

هنگامی که ارتش ایران وارد آذربایجان شد، نیروهای نظامی فرقه به سرعت تسلیم شدند و بسیاری از عناصر اصلی، خود را به نیروهای شوروی رساندند. مقاومت مردمی و عدم وجود پشتوانه عمیق مردمی واقعی برای ایدئولوژی کمونیستی، این طرح را در پاییز ۱۳۲۵ به شکست کامل کشاند و پیشه‌وری و یارانش به شوروی گریختند.

بازگشت به تهران؛ سرنوشت رهبران فرقه

سرنوشت رهبران فرقه پس از سقوط، نشان‌دهنده ماهیت ابزاری این جنبش برای منافع شوروی بود. این رهبران پس از اتمام مأموریت، به مهره‌های سوخته تبدیل شدند. سرنوشت رهبران

طرح نو؛ سردبیر

فرقه دموکرات آذربایجان با رهبری جعفر پیشه‌وری، در شهریور ۱۳۲۴ و در بجهوجه اشغال ایران توسط متفقین و در سایه حضور ارتش سرخ شوروی، اعلام موجودیت کرد. این فرقه با پشتیبانی مستقیم ایدئولوژیک و نظامی مسکو، هدف نهایی خود را تحقق خودمختاری گسترده برای آذربایجان در چهارچوب یک پروژه بزرگتر تجزیه‌طلبانه که مرزهای ایران را تهدید می‌کرد، قرار داد. این پروژه، که کاملاً از دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی نشأت می‌گرفت، در پی بهره‌برداری از خلاء قدرت مرکزی و تضعیف دولت ایران در اوج جنگ سرد بود تا عملاً منطقه‌ای حائل و وابسته به شوروی در شمال ایران شکل گیرد.

این مقاله کوتاه به تحلیل ساختار، اهداف، روند قدرت‌گیری و سقوط این فرقه، و مهم‌تر از آن، به بررسی سرنوشت شخصیت‌های کلیدی و میراث ایدئولوژیک آن در نسل‌های بعدی می‌پردازد. تحلیل این واقعه نشان می‌دهد که چگونه منافع ژئوپلیتیکی قدرت‌های خارجی می‌توانست به طور مصنوعی یک ساختار شبه‌دولتی را در مرزهای ایران ایجاد کند، اما در نهایت این ساختار به دلیل عدم همخوانی با هویت ملی مردم منطقه، فروپاشید.

یک سال حیات فرقه‌ی دموکرات پیشه‌وری

دوران قدرت‌گیری فرقه دموکرات مقارن با یکی از بحرانی‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران بود؛ یعنی پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیش از خروج کامل نیروهای اشغالگر.

در پی اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۰، شمال غرب ایران (آذربایجان) به منطقه تحت نفوذ شوروی تبدیل شد. این شرایط، محیطی مناسبی برای احیای فعالیت گروه‌های چپ‌گرا و ناسیونالیست‌های محلی فراهم آورد. فرقه دموکرات آذربایجان که ادعای نمایندگی مردم ترک‌زبان منطقه را داشت، در واقع بازوی اجرایی سیاست‌های خارجی شوروی در ایران محسوب می‌شد.

اسناد تاریخی نشان می‌دهند که حمایت شوروی صرفاً محدود به تأیید سیاسی نبود. و آموزش نظامی، تأمین سلاح، و پشتیبانی تدارکاتی از طریق مرزها صورت می‌گرفت. هدف مسکو در این مقطع، ایجاد یک جمهوری خودمختار دوست در مرزهای جنوبی خود بود؛ استراتژی‌ای که پیشتر در جمهوری‌های قفقاز شوروی پیاده‌سازی شده بود.

بررسی کتاب «فرقه دموکرات آذربایجان؛ از تخلیه تبریز تا مرگ پیشه‌وری»

تصاویری چند همراه است.

ویژگی‌های متمایز این اثر

رویکرد شخصی و مستند: نویسنده با بهره‌گیری از خاطرات و مشاهدات مستقیم شاهدان عینی، تصویری زنده و ملموس از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن دوره ترسیم می‌کند. این رویکرد، به خواننده امکان می‌دهد تا درک عمیق‌تری از تجربیات افراد حاضر در این رویدادها پیدا کند. تمرکز بر رویدادهای محلی: نویسنده با تمرکز بر رویدادهای محلی و تأثیر آن‌ها بر زندگی روزمره مردم، جنبه‌ای از تاریخ این منطقه را روشن می‌کند که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

استفاده از اسناد منتشر نشده: نویسنده با بهره‌گیری از اسناد و مدارکی که تا پیش از آن منتشر نشده بود، به ابعاد پنهان این رویداد پرداخته و برخی از ادعاها و روایت‌های رایج را به چالش می‌کشد. نقد و تحلیل رویدادها: نویسنده‌ی کتاب با نگاهی انتقادی به رویدادهای فرقه دموکرات آذربایجان پرداخته و به بررسی علل و عوامل شکل‌گیری، موفقیت و شکست آن می‌پردازد.

نقدهایی که به کتاب وارد است

۱- تکیه بیش از حد بر خاطرات و منابع شفاهی: خاطرات افراد ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند گذر زمان، احساسات شخصی و تعصبات تغییر کنند و به همین دلیل، به عنوان تنها منبع تاریخی برای اثبات رویدادها کافی نیستند. همچنین خاطرات به دلیل ماهیت فردی و شخصی، ممکن است تصویر کاملی از یک رویداد تاریخی ارائه ندهند و قابلیت تعمیم آن‌ها به کل جامعه محدود باشد.

۲- عدم تعادل در بررسی منابع: نویسنده در کتاب خود بیشتر به خاطرات و روایت‌های شفاهی تکیه کرده است و به منابع مکتوب و اسناد تاریخی به اندازه کافی توجه نکرده است. فلذا تکیه بیش از حد بر منابع شفاهی، اعتبار علمی کتاب را کاهش می‌دهد و امکان تفسیرهای شخصی و سوگیری‌ها را افزایش می‌دهد.

۳- تمرکز بر جنبه‌های انسانی و غفلت از ابعاد سیاسی: در حالی که کتاب به خوبی به جنبه‌های انسانی رویداد پرداخته است، اما به تحلیل عمیق ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک فرقه دموکرات کمتر توجه کرده است. همچنین نقش قدرت‌های بزرگ مانند



طرح نو؛ سردبیر

کتاب «فرقه دموکرات آذربایجان؛ از تخلیه تبریز تا مرگ پیشه‌وری» شامل یادداشت‌هایی است از شاهدان عینی در قضایه فرقه‌ی دموکرات پیشه‌وری. مطالب کتاب اتفاقات به وقوع پیوسته از تخلیه تبریز تا مرگ پیشه‌وری، رهبر فرقه‌ی دموکرات، را دربرمی‌گیرد. حضور فرقه‌ی دموکرات در آذربایجان پس از یک سال کشمکش و مصالحه‌ای که میان استالین و قوام صورت گرفت، به پایان رسید. به دستور روس‌ها پیشه‌وری برکنار شد و نیروهای دولتی ایران بر آذربایجان مسلط شدند. این عقب‌نشینی‌ها و تخلیه‌ی مراکز نظامی از نقاط مختلف منجر به عواقب ناشایست و مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای برای اعضای فرقه گردید. گواهی شاهدان و افسران عالی‌رتبه و فرماندهان فرقه، که شرح وقایع اتفاق افتاده بر آن‌ها در کتاب منعکس شده است، همگی از فلاکت و بدبختی آنان و خانواده‌هایشان حکایت دارد. سرنوشت بخشی از این افراد که یا مدت‌ها در اختفا بودند یا به خارج از کشور، به خصوص شوروی مهاجرت کردند و پناهنده شدند در کتاب آمده است. از جمله‌ی این افراد می‌توان به دکتر بالاش آذراوغلو، پروفیسور احمد شفائی، خانم نجمه علوی، محمدعلی مصدق، سرتیپ علی‌اکبر درخشانی، هوشنگ کامکار، داوود امینی، دکتر سلام‌اله جاوید، دکتر حسین فرهنگ، میرزا عبدالله مجتهدی و... اشاره کرد. کتاب با اسناد و

خبر

دادستان تبریز:

با اخلال در بازار و معیشت مردم بدون اغماض برخورد می‌شود



طرح گروه خبر

بازار در حوزه اقتصاد تأکید داشت. وی بر لزوم نظارت و برخورد مؤثر با متخلفین در حوزه بازار تأکید داشت و آن را نیازمند همکاری تنگاتنگ و لحظه‌ای با سازمان صمت دانست و اظهار داشت: نظارت مستمر، بازرسی‌های پیشگیرانه و گزارش دهی سریع از جمله تکالیف اساسی سازمان صمت در این زمینه دانست و تأکید نمود که نتایج رصد میدانی آن سازمان، مبنای اقدامات قضائی بوده و دادستانی در این مسیر پشتیبان دستگاه‌های اجرایی خواهد بود تا ثبات و تنظیم بازار در سطح مرکز استان محقق گردد.

به نقل از روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان شرقی، در روز یکشنبه، ۱۶ آذر، در پایان این دیدار، مدیرکل صمت استان نیز ضمن قدردانی از رویکرد حمایتی دادستانی، بر آمادگی کامل خود برای اجرای دقیق و مستندسازی مصوبات کارگروه تنظیم بازار تأکید کرد.

دادستان مرکز استان آذربایجان شرقی با اشاره به چالش‌های اقتصادی موجود، یکی از اولویت‌های اصلی دستگاه قضا را صیانت قاطع از حقوق عامه در حوزه کالا و ارزاق عمومی دانست و افزود: هرگونه تلاش برای اختلال در زنجیره تأمین مایحتاج شهروندان، احتکار سازمان‌یافته و گران‌فروشی که معیشت روزمره مردم شریف استان را به مخاطره اندازد، بدون هیچ‌گونه اغماضی با قاطعیت دستگاه قضائی مواجه خواهد شد.

حسین محمدزاده در اولین دیدار رسمی خود با صابر پرنیان، مدیرکل سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، بر ضرورت هم‌افزایی حداکثری دو مجموعه در راستای حفظ حقوق عامه و تنظیم بازار تأکید کرد.

وی بر اهمیت نقش نهاد قضا در حمایت از اقدامات دستگاه‌های اجرایی و ضرورت هم‌افزایی حداکثری در راستای حفظ حقوق عامه و تنظیم

شوروی در شکل‌گیری و سقوط فرقه دموکرات به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته است. ۴- رویکرد توصیفی و عدم تحلیل انتقادی: کتاب بیشتر به توصیف رویدادها پرداخته است و به تحلیل عمیق علل و عوامل شکل‌گیری، موفقیت و شکست فرقه دموکرات کمتر پرداخته است. و نیز به پیامدهای بلندمدت فرقه دموکرات بر تاریخ ایران و منطقه کمتر پرداخته است.

۵- احتمال وجود سوگیری‌های شخصی: و در نهایت این که اگر نویسنده‌ای تحت تأثیر دیدگاه‌ها، پیش‌داوری‌ها و ارزش‌های شخصی خود باشد، این موضوع ممکن است بر نحوه تفسیر رویدادها توسط او تأثیر بگذارد.

اهمیت مطالعه این کتاب

کتاب «فرقه دموکرات آذربایجان» به عنوان یک منبع تاریخی، برای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران، به ویژه تاریخ منطقه‌ی آذربایجان، بسیار ارزشمند است. این کتاب با ارائه روایتی متفاوت و مبتنی بر اسناد و خاطرات، به خواننده کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های این رویداد و تأثیرات آن بر زندگی مردم عادی پیدا کند.

نگاهی به ویژگی‌های کتاب

رویکرد شخصی و انسانی: نویسنده به جای تمرکز صرف بر رویدادهای سیاسی بزرگ، به زندگی روزمره مردم عادی درگیر در این رویدادها می‌پردازد. او با بیان خاطرات و تجربیات شخصی افراد، نشان می‌دهد که چگونه این رویداد بر زندگی آن‌ها تأثیر گذاشته و چه تغییراتی را در جامعه ایجاد کرده است. بومی‌سازی تاریخ: نویسنده با تمرکز بر رویدادهای محلی و منطقه‌ای، به تاریخ‌نگاری بومی اهمیت می‌دهد. او نشان می‌دهد که چگونه رویدادهای ملی و بین‌المللی بر زندگی مردم در سطح محلی تأثیر می‌گذارد.

نقد ساختار قدرت: نویسنده با نقد ساختار قدرت موجود در آن دوره، به ویژه نقش دولت مرکزی و نیروهای خارجی، به تحلیل علل شکل‌گیری و سقوط فرقه دموکرات می‌پردازد. در نهایت باید گفت که کتاب «فرقه دموکرات آذربایجان» نوشته شاهرخ فرزا، با وجود محدودیت‌های خود، یک منبع خوب برای مطالعه این دوره تاریخی است. این کتاب به ما کمک می‌کند تا به عمق رویدادها نفوذ کنیم و درک بهتری از زندگی مردم در آن دوره پیدا کنیم.

سر مقاله

نقش آرشیوهای شوروی در افشای ماهیت فرقه‌ی دموکرات آذربایجان؛

درس‌های ۲۱ آذر ۱۳۲۵ برای امروز ایران

تزیق خارجی

و شکل‌گیری دولت دست‌نشانده

شکل‌گیری فرقه، محصول یک بستر اجتماعی داخلی نبود، بلکه نتیجه‌ی سیاست‌های مشخص مسکو بود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ و ورود متفقین، ارتش سرخ کنترل کامل آذربایجان را به دست گرفت. این استقرار نظامی، فرصتی طلایی برای شوروی فراهم آورد تا مهره‌های مورد نظر خود را از میان عناصر محلی تربیت شده در مدارس و سازمان‌های حزبی وابسته، به قدرت برساند. هنگامی که نیروهای شوروی در آذربایجان مستقر شدند، از طریق مشاورین سیاسی و نظامی، به سازماندهی و مسلح‌سازی عناصر وفادار به ایدئولوژی خود پرداختند.

افسران ارتش شوروی (به ویژه سازمان امنیت و اطلاعات نظامی) مسئولیت آموزش نظامی و عقیدتی نیروهای فرقه را بر عهده گرفتند. این آموزش‌ها شامل تاکتیک‌های جنگ نامنظم و همچنین تبلیغات ضدایرانی بود.

در این راستا عوامل فرقه نیز با استفاده از اهرم‌های قدرت شوروی، به سرعت ساختارهای اداری، قضایی و نظامی را در دست گرفتند. نخستین اقدام آن‌ها، تغییر نام وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی به نام‌های «جمهوری دموکراتیک» بود.

یکی دیگر از تهاجمی‌ترین اقدامات فرقه، تلاش برای جداسازی فرهنگی بود. این فرقه، به تدریج، قوانین و حتی زبان رسمی منطقه را تغییر داد و با تمرکز بر هویت «آذری» به عنوان هویتی مجزا از «ایرانی»، سعی در کاشت بذر تجزیه‌طلبی داشت.

استراتژی شوروی مبتنی بر دو اصل بود: اول، تقویت روایت ملی‌گرایی منطقه‌ای به عنوان جایگزینی برای ناسیونالیسم ایرانی؛ و دوم، ایجاد یک «دولت دست‌نشانده» که در بزنگاه‌های حساس، منافع شوروی را تأمین کند. این سیاست، با سرکوب بی‌رحمانه هرگونه گرایش ملی‌گرای ایرانی همراه بود و هر صدای مخالف، تحت عنوان «مردور مرکز» سرکوب

می‌شد. این محیط خفقان‌آور، که هرگونه فعالیت سیاسی آزاد را ناممکن می‌ساخت، تنها زمینه‌ساز یک واکنش شدید و نهایی از سوی مردم شد که در نهایت، وفاداری خود به ایران را به نمایش گذاشتند.

سخن گفتن تاریخ از زبان دشمن

دهه‌ها تلاش برای اثبات وابستگی کامل فرقه به شوروی با تردیدهایی مواجه بود؛ زیرا بیشتر مستندات بر شواهد ظاهری، گزارش‌های ساواک (پس از تأسیس) و گزارش‌های داخلی دولت ایران تکیه داشت که از منظر مورخان غربی و حتی برخی پژوهشگران داخلی، فاقد درجه اعتباری قطعی برای اثبات نقش مستقیم کرملین بود. اما گشایش آرشیوهای شوروی سابق، پس از فروپاشی این کشور، نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری این واقعه ایجاد کرد.

پژوهش عمیق دکتر جمیل حسینی، مورخ و استاد دانشگاه باکو، در کتاب خود با عنوان «فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان؛ به روایت آرشیوهای اسناد محرمانه اتحاد جماهیر شوروی»، این پرونده را برای همیشه منخومه ساخت. این پژوهش بر پایه اسناد دست‌اول و طبقه‌بندی شده‌ای استوار بود که پیش از این، برای محققین ایرانی یا غربی قابل دسترس نبودند. حسینی با دسترسی به گزارش‌های محرمانه پلِت‌بورو (کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی)، مکاتبات

بین استالین و مقامات شوروی مستقر در ایران (از جمله سفیر شوروی و فرماندهان نظامی)، و دستورالعمل‌های مستقیم جاسوسی، ثابت کرد که پیشه‌وری صرفاً یک عامل اجرایی بود. این اسناد تأیید می‌کنند که تصمیمات کلیدی، از جمله زمان حمله به مراکز دولتی و نهایتاً عقب‌نشینی، نه از تبریز، بلکه از مسکو صادر می‌شده است.

اسناد نشان می‌دهند که کلیه هزینه‌های تبلیغاتی، تسلیحاتی و حتی حقوق ماهانه رهبران فرقه، توسط بودجه‌های مخفی شوروی تأمین می‌شده است. همچنین این اسناد نشان می‌دهند که باقروف، رهبر

جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان، نقش هماهنگ‌کننده مستقیمی در اعزام نیروهای غیررسمی (گروه‌های نفوذی) و سازماندهی لجستیکی فرقه داشت.

مکاتبات فاش شده میان مولوتف (وزیر امور خارجه شوروی) و استالین، نیز نشان می‌دهد که فرقه تنها یک ابزار فشار بر دولت قوام بود تا امتیاز نفت شمال را تضمین کند. هنگامی که قوام، با استفاده از سیاست موازنه قدرت و تهدید به ارجاع مسئله به سازمان ملل، توانست عقب‌نشینی ارتش سرخ را به دست آورد، دستور عقب‌نشینی فرقه نیز بلافاصله صادر شد.

این امر، اهمیت تاریخی این پژوهش را دوچندان می‌کند، زیرا این بار، تحلیل‌گر از میان خود دستگاه سابق حامی فرقه، به افشاکاری دست زده و روایت شوروی از درون، علیه خود آن به کار گرفته شده است. این مدارک، توجیبه برای ملی‌گرایان ایرانی فراهم آورد که همواره بر ماهیت ضدایرانی و خارجی این جنبش اصرار داشتند...

قیام ۲۱ آذر و دفاع غریزی از هویت ایرانی

شکست فرقه در آذر ماه ۱۳۲۵، پس از عقب‌نشینی تحت فشار بین‌المللی و سازماندهی مجدد ارتش ایران، یک رخداد نظامی صرف نبود؛ بلکه یک رخداد هویتی بود.

نقطه‌ی عطف زمانی که ارتش وارد تبریز شد، استقبال گسترده مردم بود. برخلاف انتظار شوروی‌ها که پیش‌بینی می‌کردند مردم محلی در برابر ارتش ایران مقاومت کنند، مردم تبریز، با سلاح‌های ساده به استقبال نیروهای ملی ایران آمدند. این استقبال، پاسخی آشکار به توطئه تجزیه‌طلبانه و نمایشی قاطع از پیوند ناگسستی آذربایجان با ایران بود. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که در بسیاری از شهرها، مردم خود سازماندهی کرده و نیروهای فرقه را خلع سلاح کردند. این امر نشان می‌دهد که اگرچه رهبران شوروی با حمایت خارجی به قدرت رسیدند، اما تکیه‌گاه مردمی در

اجرای استراتژی تجزیه کاملاً وجود نداشت. گفتنی است که ریشه‌های فرهنگی و تمدنی آذربایجان در هزاران سال همزیستی با فرهنگ مرکزی ایران، نیروی پنهانی بود که پروژه‌های تجزیه‌طلبانه را در نطفه خفه می‌کرد. تاریخ آذربایجان همواره بخشی از تاریخ ایران بزرگ بوده است. شاعران بزرگ آذری‌زبان از رودکی تا نظامی و از خاقانی تا شهریار، همگی در چتری واحد از زبان و ادبیات فارسی بالیده‌اند و مفاخر این منطقه، چه در دوره صفویه و چه در دوره قاجار، همواره مدافع حاکمیت ایران بوده‌اند. این میراث مشترک، به مردم این منطقه اجازه داد تا میان «میهن‌پرستی محلی» و «ملی‌گرایی دست‌نشانده» تمایز قائل شوند و نهایتاً در ۲۱ آذر، وفاداری خود به تمامیت ایران را به نمایش بگذارند.

جمع‌بندی و میراث ماندگار

قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۵، درس عبرتی است که بر اساس اسناد محرمانه تأیید شده است. مرزهای ایران همواره هدف سودجویی قدرت‌های بزرگ بوده‌اند و هویت ملی، تنها سپر دفاعی قابل اتکا در برابر این سودجویی‌هاست. این رویداد ثابت کرد که در بافت تاریخی ایران، منطقه آذربایجان همواره مهد وفاداری به مرکزیت فرهنگی و سیاسی کشور بوده است و جداسازی آن، چه از منظر زبانی و چه از منظر سیاسی، با اراده تاریخی ملت ایران همسو نبوده است. امروز، ۸۰ سال پس از آن واقعه، مطالعه‌ی دقیق این اسناد، ما را نسبت به ضرورت هویشناسی مستمر در برابر هرگونه نفوذ خارجی، چه در قالب حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و چه در قالب تلاش برای تضعیف وحدت فرهنگی، دوچندان می‌کند و اهمیت همبستگی ملی را در برابر تلاش‌های پنهان و آشکار برای خدشه‌دار کردن تمامیت ارضی، دوچندان می‌سازد. درس ۲۱ آذر این است که پیوند هویت ایرانی، قوتی‌تر از هر ماشین نظامی و هر پشتوانه خارجی است.

شعر

دنیا به کام تلخ من
امشب عسل شده است



دنیا به کام تلخ من امشب عسل شده است
شیرین شده است و ما حصلش این غزل شده است
تاثیر مهر مادریت بوده بر زبان
این واژه‌ها اگر به تغزل بدل شده است
مادر! حضور نام تو در شعرهای من
لطف خداست شامل حال غزل شده است
غیر از تو جای هیچ کسی نیست در دلم
این مسأله میان من و عشق حل شده است
سیاره‌ای که زهره نشد آه می‌کشد
آه است و آه آنچه نصیب زحل شده است
زه‌رایی و تالالو نور محبتت
در سینه ام ز روز ازل لم یزل شده است
از نام تو هوای غزل معنوی شده است
بی اختیار وارد این مثنوی شده است
هرگز نبوده غیر تو مضمون بهتری
تنها تویی که بر سر ذوقم می‌آوری
نامت مرا مسافر لاهوت کرده است
لاهورت را شکوه تو میهوت کرده است
از عرش آمدی و زمین آبرو گرفت
باید برای بردن نامت وضو گرفت
نور قریش! تا که تویی صاحب دلم
غرق خداست شعب ابی طالب دلم
عمرت نفس نفس همه تلمیح زندگی است
حرفت چراغ راه و مفاتیح زندگی است
از این شکوه، ساده نباید عبور کرد
باید مدام زندگی را مرور کرد
چون زندگی ساده‌تر از مختصر شده است
پیش تجملات، جهازت سپر شده است
آینه‌ای و سنگ صبور پیمبری
در هر نفس برای پدر مثل مادری
اشک شما عذاب بهشت است، خنده کن
لبخندت آفتاب بهشت است، خنده کن
دنیای ما نبوده برازنده‌ی شما
هجده نفس زمین شده شرمنده‌ی شما
آینه‌ای نهاده خدا بین سینه‌ام
حس می‌کنم مزار تو را بین سینه‌ام
مانند آن خسی که به میقات پر کشید
قلبم به سوی مادر سادات پر کشید
شاعر: سید حمید رضا برقعی

نور دل و دیده پیمبر
زهراست

یا فاطمه جان دست من و دامانت
ای چشم امید همه بر احسانت
بادا به فدایت پدر و مادر من
ای گفته محمد پدرت قربانت

نور دل و دیده پیمبر زهراست
أم الحسین و کفو حیدر زهراست
آن خیر کثیر را که فرط کمال
ایزد بستود و خواند کوثر زهراست

حسان

به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) صورت می‌گیرد؛

افتتاح نمایشگاه «زن؛ روشنای آفرینش» در تبریز



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در
آیین افتتاح نمایشگاه «زن؛ روشنای آفرینش» گفت: این
رویداد هنری با هدف تجلیل از جایگاه زن در فرهنگ
ایرانی - اسلامی و نمایش توانمندی‌های بانوان هنرمند
استان برگزار شده است.
نمایشگاه «زن؛ روشنای آفرینش» با حضور جمعی
از هنرمندان، اصحاب فرهنگ و رسانه و مسئولان
فرهنگی استان، در آستانه میلاد خجسته حضرت فاطمه
زهرا(س) و روز زن، در تبریز گشایش یافت.
نعمت‌اله پایان مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی
استان در آیین افتتاح این نمایشگاه در گفتگو با واحد
خبر صدا و سیما مرکز آذربایجان شرقی اظهار
داشت: هدف اصلی از برپایی این رویداد، پاسداشت
و تکریم مقام زن در فرهنگ ایرانی - اسلامی و بازتاب
ظرفیت‌های گسترده بانوان در زمینه‌های هنر، رسانه و
تولیدات فرهنگی است.
پایان با اشاره به آثار ارائه‌شده در این نمایشگاه گفت:
این آثار جلوه نگاه لطیف، بینش عمیق و خلاقیت
بانوانی است که در کنار مسئولیت‌های اجتماعی و
خانوادگی، نقشی مؤثر در اعتلای فرهنگ و هنر این
دیار ایفا می‌کنند.
وی در ادامه افزود: رویکرد دولت وفاق ملی به
ریاست جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان، توجه ویژه

به توانمندسازی زنان، عدالت فرهنگی و گسترش
مشارکت اجتماعی بانوان است. از این رو در استان
آذربایجان شرقی نیز تلاش می‌کنیم این سیاست‌ها را در
حوزه فرهنگ و هنر به صورت عملی پیاده‌سازی کنیم.
حمایت از بانوان هنرمند، ایجاد بسترهای نمایشگاهی،
برگزاری دوره‌های تخصصی و فراهم‌سازی زمینه
حضور بیشتر بانوان در عرصه مدیریت فرهنگی، از
جمله این اقدامات است.
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در بخش
دیگری از سخنانش، نمایشگاه «زن؛ روشنای آفرینش»
را فراتر از یک رویداد هنری دانست و گفت: این

روایت‌هایی از زندگی حضرت فاطمه زهرا (س)؛

حیا و پوشیدگی پاره تن پیامبر (ص)

به همین جهت، حضرت زهرا علیها السلام
گردنبند مروارید خود را از گردن درآورد و نخ آن
را پاره نمود و دانه‌هایش را بر زمین ریخت و سپس
به فرزندان فرمود: هر کدام از شما دانه‌های بیشتری
بردارد خط او بهتر است.
و هر یک به طور مساوی از دانه‌های مروارید
برداشت و در نهایت هیچ کدام ناراحت و غمگین
نگشتند و خط هر دو خوب و زیبا تشخیص داده
شد.



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
روزی شخص نابینائی اجازه گرفت و به خانه
فاطمه (س) آمد و حضرت فاطمه خود را از او
پوشاند. رسول خدا (ص) به او فرمود: چرا از این
نابینا حجاب گرفتی در حالی که او تو را نمی‌بیند؟
فاطمه سلام... علیه فرمود: اگر او مرا نمی‌بیند من که
او را می‌بینم. او بوی نامحرم را که استشمام می‌کند!
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شهادت
می‌دهم که تو پاره تن من هستی.

قضاوت در خط

روزی حضرت فاطمه زهراء علیها السلام مشغول
انجام کارهای منزل بود و دو فرزند عزیزش حسن و
حسین علیهما السلام خطی را نوشته بودند و هر یک
ادعا می‌کرد، که خط من بهتر و زیباتر است.
پس جهت قضاوت نزد مادرشان آمدند و از
او خواستند تا نظر دهد که خط کدام یک بهتر و
زیباتر می‌باشد. ولی حضرت زهراء علیها السلام
برای آن‌که هیچ کدام را ناراحت نکند اظهار داشت:
از پدرتان سوال نمایید. و چون حسن و حسین
علیهما السلام موضوع را برای پدرشان عرضه داشتند،
او نیز نخواست که یکی از آن دو عزیز را ناراحت

یادداشتی برای مادر؛ بهترین بخش زندگی که نقشی بی‌بدیل در سرنوشت هر کدام از ما ایفا می‌کند؛

مادر؛ آغوشی از امید و امنیت



طرح نو؛ رقیه جمالی
از تو نوشتن دلی می‌خواهد. به وسعت عشق.
چگونه توصیف کنم تو را که تو معنای تمام خوبی‌های
عالم، زیبایی‌های خلقت و لطیف‌ترین گل در گلزار
آفریده‌های خدای مهربان هستی. ای کامل‌ترین اسم
موجود در هستی؛ مادر، وقتی نام مقدست را بر زبان
می‌آورم، دلم پر از نور و روشنی می‌شود
مادر یعنی آغوشی گرم در سخت‌ترین لحظات، یعنی
صبری بی‌پایان در برابر چالش‌های روزگار، یعنی دستی
که همیشه آماده‌ی گرفتن دست پر از درد و آرزوهای
ماست.
مادر، معجزه‌ای است که در زندگی‌ام چون گلی بی
نظیر شکوفا شده است. او همچون خورشید در آسمان
روح من می‌درخشد و در لحظه‌های تاریکی و سرما، با
مهربانی‌اش، دلم را روشن می‌کند. مادر سرچشمه‌ای از
عشق بی‌پایان و قدرت بی‌مثال است که در هر لحظه
زندگی‌ام با حضورش دنیایم را تغییر می‌دهد.
چشمان مادر، دو دروازه‌ی دل‌انگیز به دنیای دیگری
هستند، دنیایی از فهم و شفقت. در نگاهش هزاران
داستان از جوانی‌ها، اشک‌ها، لبخندها و لحظات بی‌پایان
وجود دارد. هر بار که به چشم‌هایش نگاه می‌کنم، در
آن عمق محبت و درک، خود را باز می‌یابم؛ چون در آن
نگاه، نه تنها من، بلکه همه‌ی رویاهایم، همه‌ی دردهایم
و همه‌ی آرزوهای نیکویم زندگی می‌کنند.
دستانش، همانند پرندگانی است که با عشق و بدون
خستگی برای فرزندانش در دنیای پر از توفان‌ها پرواز
می‌کنند. دست‌های مادر، همچون آغوشی است که دنیا
را در خود جای می‌دهد؛ گرمایی که روح را به آرامش
می‌برد و دل را از تمام دغدغه‌ها پاک می‌کند. انگار هیچ
چیز نمی‌تواند از دستان مادر دور باشد، نه درد، نه اشک،
نه خستگی. او همیشه برای لمس کردن، برای حمایت

درختی که همیشه سرسبز است.
مادر، خورشیدی است که نورش آرام‌بخش دل‌های
خسته و سرد است. لبخندش، مانند نسیمی ملایم در
بهار است که تمام غم‌ها را از شاخه‌های قلب می‌زداید.
دستانش، آغوشی از جنس آرامش و سکوت امن،
همچون پناهگاهی است که حتی طوفان‌ها را هم به
زانو درمی‌آورد. صدایش، موسیقی دلنشینی است که
قصه‌های عشق و مهربانی را با نتهای نرم و لطیف در
گوش روح می‌نوازد. نگاهش، دریایی بی‌کران از صبر و
امید است که هر قطره‌ی آن، زندگی را روشن می‌کند.
مادر؛ ای بهترین شعر خدا؛ ای روشنای آفرینش؛
دعایم کن، در این راه پر پیچ و خم زندگی که گاه
از سنگ و گاه از آینه ساخته شده است. دعایم کن
تا همیشه سایه‌ات بر سرم باشد، همچون درختی که
ریشه‌هایش در عمق زمین استوار است و شاخه‌هایش
در آسمان آرزوها کشیده می‌شود. دعایم کن تا قلبم در
گرمای دست‌هایت همیشه پر از امید و نور باشد، تا در
سختی‌ها و سرگردانی‌ها، صدایت راهنمایم باشد. دعایم
کن، مادر، چرا که دعایت همیشه برایم بهشتی است در
دل زمین.
مادر؛ ای معنای عشق بی‌پایان و ای مفهوم سخاوت
بی‌نظیر؛ به پاس قدردانی بر دستان مهربانت بوسه می‌زنم
و قدردان تمام لحظاتی هستم که از تو آموختم و هنوز
هم می‌آموزم. در تمامی روزهای سخت و شب‌های
تاریک، تنها نام تو آرامش را در دل من می‌نشانند؛ تو؛
سرپناهی از جنس محبت و فداکاری هستی که همیشه
در کنار من، با تمام وجودت ایستاده‌ای. ای مادر، که
زندگی‌ام از مهر و محبت تو ساخته شده. تو با محبت
و فداکاری‌های بی‌پایانت، به من زندگی بخشیدی و
من برای هر لحظه‌ای که کنارم هستی، شکرگزارم. ای
بزرگ‌ترین فرشته زندگی‌ام.

شعر

مادر بهشت من
همه آغوش گرم توست



مادر بهشت من همه آغوش گرم توست
گویی سرم هنوز به بالین نرم توست
پیوسته در هوای تو چشمم به جست‌وجوست
هر لحظه با خیال تو جانم به گفت‌وگوست
در خواب و خیال همه با توام هنوز
تنهائیم مباد که تیره است بی تو روز
دائم حریم قدس تو احساس می‌کنم
احساس قدس آن دم انفاس می‌کنم
موسیقی بهشت همانا صدای توست
گوش دلم به زمزمه لای لای توست
مادر به قصه‌های تو می‌خفت غصه‌ها
می‌رفت چشم و گوش به دنبال قصه‌ها
با شادایت نبود غمی را مجال ایست
اما به گریه تو هم آفاق می‌گریست
صدقه عشق بودی و می‌خواندمت مدام
رفتگی و ماند قصه صد عشق ناتمام
ای سینه داشته سپر هر بلای من
اکنون بکن شفاعت من با خدای من
امروز هستیم به امید دعای توست
فردا کلید باغ بهشتیم رضای توست
این راز آن حدیث که نقل از پیمبر است
جنت نهاده زیر قدم‌های مادر است
«شهریار»

مادر

تاج از فرق فلک برداشتن
جاودان آن تاج بر سر داشت
در بهشت آرزو ره یافتن
هر نفس شهدی به ساغر داشتن
روز در انواع نعمت‌ها و ناز
شب بتی چون ماه در بر داشتن
صبح از بام جهان چون آفتاب
روی گیتی را منور داشتن
شامگه چون ماه رویا آفرین
ناز بر افلاک اختر داشتن
چون صبا در مزرع سبز فلک
بال در بال کبوتر داشتن
حشمت و جاه سلیمانی یافتن
شوکت و فر سکندر داشتن
تا ابد در اوج قدرت زیستن
ملک هستی را مسخر داشتن
بر توارزانی که ما را خوش تراست
لذت یک لحظه «مادر» داشتن
شاعر: «فریدون مشیری»

سایه لطف خدا

سایه لطف خدایی مادر
معنی عشق و وفای مادر
شعر من در خور تفسیرت نیست
اوج مهری و صفایی مادر

مدیرکل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی:

اعتکاف فرصتی برای تقویت فعالیت‌های دینی و فرهنگی مسجد محور

از محتوای طرح ملی «زندگی با آیه‌ها» به عنوان طرح قرآنی سازمان تبلیغات اسلامی در مراسم اعتکاف بهره گرفت. حجت الاسلام علی اکبری افزود: اعتکاف مادر و فرزندی و نیز اعتکاف دانش آموزی مواردی هستند که انتظار می‌رود مساجد نسبت به آنها اهتمام ویژه‌ای داشته باشند و بیمه مساجد، حضور روحانی مساجد برگزارکننده اعتکاف در این ایام در مساجد، رعایت مسائل بهداشتی و ایمنی و اتخاذ تدابیر لازم برای تأمین اقلام غذایی از دیگر مواردی هستند که باید در مساجد میزبان این مراسم مورد توجه قرار گیرد.

معاون اداره کل تبلیغات اسلامی استان تصریح کرد: امسال علاوه بر اینکه اعتکاف دانش آموزی پسران با محوریت مصطفی اعظم تبریز و اعتکاف دانش آموزی دختران نیز در چهار مسجد شاخص تبریز برگزار خواهد شد، در صورت نیاز امکان افزایش این تعداد وجود دارد و امیدواریم با تلاش متولیان مساجد با استفاده از ظرفیت‌های چون خیران، بستر لازم برای حضور گسترده مردم استان در این آئین معنوی فراهم شود.

گفتنی است؛ نشست هماهنگی برگزاری مراسم معنوی اعتکاف ۱۴۰۴ با حضور مدیرکل تبلیغات اسلامی و مسئول ستاد رسیدگی به امور مساجد آذربایجان شرقی و مسئول ستاد مردمی اعتکاف و متولیان مساجد میزبان این سنت معنوی به همت اداره کل تبلیغات اسلامی تبریز در مصطفی اعظم امام خمینی (ره) برگزار شد. / مهر



سنت حسنه و مراسم معنوی است. معاون فرهنگی تبلیغی اداره کل تبلیغات اسلامی استان نیز در این نشست اعتکاف را کنگره عظیم معنوی در جامعه اسلامی و نوعی

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر مدیرکل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی بر لزوم استفاده از فرصت مراسم اعتکاف برای رونق بیش از پیش مساجد تأکید کرد. حجت الاسلام سید حسن اصل نژادی در نشست هماهنگی مراسم اعتکاف در مصطفی اعظم تبریز گفت: کناره گرفتن از امور دنیوی و پرداختن به عبادت الهی یکی از وجوه اصلی این سنت حسنه است که موجب توجه قلبی بنده به معبود می‌شود. وی کم‌رنگ شدن فعالیت مساجد را یکی از چالش‌های اصلی جامعه اسلامی به ویژه در میان شیعیان عنوان و تصریح کرد: مساجد در حقیقت پایگاه‌های مردمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی هستند و انقلاب اسلامی نیز از بستر همین مساجد شکل گرفته است. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان گفت: لازم است بیش از آنکه به تزئین ظاهری مساجد پرداخته شود، رونق گرفتن فعالیت‌های دینی و مذهبی در آنها مورد توجه قرار گیرد و آئین‌های معنوی همچون اعتکاف یکی از بهترین فرصت‌ها برای احیای محوریت مساجد به ویژه در امور فرهنگی، اجتماعی و دینی است.

حجت الاسلام اصل نژادی از برنامه ریزی برای برگزاری مراسم اعتکاف ۱۴۰۴ در آذربایجان شرقی نیز خبر داد و اظهار داشت: سال گذشته ۵۹ مسجد در تبریز برای اعتکاف ثبت نام کرده بودند و تلاش می‌کنیم امسال این تعداد به یکصد مسجد برسد و لازمه تحقق این هدف گذاری همراهی و همکاری متولیان مساجد در برگزاری این

روایت بانویی از روستا تا شهر، از پشتیبانی جنگ تا سرپرستی خانواده؛ صبر و قناعت

بعد مشخص شد ریه هایش شیمیایی بوده در حالی که ما اصلاً متوجه نشده بودیم هر چند فصل سرما که می‌شد می‌دیدم همسرم به شدت سرفه می‌کند و می‌گفت انگار ریه هایم می‌سوزد. با فوت همسرم همه دنیا سرم آوار شد آن هم درست زمانی که چند ماهی از مرگ خواهرم نمی‌گذشت و دوباره داغدار شدم، من بودم و پنج بچه که هیچ کدام باور نمی‌کردیم پداری مهربان و دلسوز را از دست دادیم. همسرم مهربان بود و هر وقت از کار یا خارج از خانه باز می‌گشت با بچه‌ها بازی می‌کرد بگو بخند هایش مشهور بود و دلسوزی اش آوازه همه، از کارگزارش گرفته تا اقوام و فامیل و همین موجب شد همه درد و غم بزرگی را متحمل شوند.

پس از درگذشت همسرم کارهای اداری مختلف بود که پیش می‌آمد از کار برقراری بیمه همسرم تا حصر وراثت و این اداره آن اداره رفتن که فرزندانم طفلک‌ها درگیرش شدند. یک ماه از بیمه همسرم بین دو ماه قطع شده و همین گرهی بود که بیمه مستمری مان برقرار نشود و عده‌ای از اقوام نگران بودند و عده‌ای هم فشار می‌آوردند که نذار بچه‌ها درس بخوانند و بروند سر کار در حالی که پسر بزرگم سرباز بود و دو پسر دیگر هم دانش آموز حتی اگر درس هم نمی‌خوانند سن کار نداشتند و من با هزار مصیبت ایستادم و گفتم حتی شده فرش زیر پام را بفروشم و روی چادرم زندگی کنم باید بچه‌ها درس بخوانند بچه‌هایم درسخوان بودند و حق داشتند به جای بی‌برسند.

زندگی بدون همسرم و بدون درآمد دایم سخت بود ولی با قناعت و اندک پس اندازی که همیشه داشتم و در روز مبادا از آن استفاده می‌کردم، زندگی می‌کردیم تا اینکه چند ماه از درگذشت همسرم پسر کوچکم جلوی دبیرستانش تصادف کرد و هر دو پایش شکست با این اوضاع زندگی سخت شد و از آن سخت تر زمانی بود که پسر بزرگم که خدمت سربازی را تمام کرد درد کلیه گرفت و سه بار جراحی شد و هر دو پسر ما سالگرد همسرم کنار هم در بستر بودند و هرکسی چیزی می‌گفت و من با شنیدن این حرف‌ها بیشتر از درد مرگ همسرم و رنج بیماری بچه‌هایم، از حرف‌ها آزرده خاطر می‌شدم ولی باز هم امید به خدا داشتم و خسته نمی‌شدم.

با همه سختی‌هایی که داشتم بچه‌هایم در کارها بخصوص در فصل تابستان که رب، رشته پلویی و بلغور درست می‌کردم همراهی ام می‌کردند و بخشی از سختی‌ها را به دوش می‌کشیدند و روحیه می‌دادند تا اینکه با گذشت سال‌ها مستمری مان برقرار شد.

بچه‌ها با همه مشکلاتی که داشتیم دانشگاه رفتند و در دانشگاه هم کارهای جهادی می‌کردند به مناطق محروم می‌رفتند و خدمت به مردم این مناطق را دوست داشتند و هنوز هم که هنوز است پای کار هستند و در زمان کرونا هم شب و روز نداشتند و من افتخار می‌کردم که بچه‌هایم مسجلی و مردمی تربیت شدند و هریک برای خود در جامعه مسئولیتی دارند، دختر بزرگم فعال در حوزه رسانه و شعر است و در این خصوص هم آثار و مقام‌های بسیاری کسب و کتاب‌هایی چاپ کرده است.

دختر کوچکم اهل هنر است و پس از اتمام دانشگاه در کنار خانه داری و بچه‌داری به علاقه‌اش می‌پردازد و در نمایشگاه‌های هنری شرکت می‌کند.

پسر بزرگم در کار صنعتی است و دو پسر کوچکم قاری قرآن، دبیر و مشغول تعلیم و تربیت دانش‌آموزان هستند و داماد و عروس‌هایم هم تحصیل کرده و در حوزه مهندسی، علمی و آموزشی فعالیت دارند و همانند همسران خود علاقه به کار جهادی دارند و فرصتی باشد دریغ نمی‌کنند.

از تحصیل باز مانده بود ولی با توجه به علاقه‌اش درس و مشق را هر جا که ممکن بوده فرا گرفته و سواد خواندن و نوشتن داشت و کتاب و روزنامه مطالعه و همیشه اخبار را از رادیو تعقیب می‌کرد و به قول برادر شوهر کوچکم از سیاست زیاد سر در می‌آورد به طوری که همه زیرکی و آگاهی‌اش را تحسین می‌کردند و خبر قطع نامه را هم پیش از اینکه از تلویزیون ببینیم همسرم به فامیل داد که چنین قضیه‌ای مطرح است.

پس از قبولی قطع نامه همسرم در کلاس‌های نهضت سواد آموزی ثبت نام کرد و عصرها پس از کار به مدرسه رفت و در مدت کوتاهی کارنامه پنج‌م ابتدایی را گرفت، کسی که پیش از آن از جبهه نامه می‌نوشت و عکس می‌گرفت و می‌فرستاد.

سال بعد از قبولی قطع نامه هم، امام خمینی (ره) به رحمت خدا رفت و بار دیگر کشور داغ سنگینی را تجربه کرد همه غم زده و ماتم گرفته به خیابان‌ها ریختند و به سر و سینه خود زدند و همه پیگیر رفتن به تهران بودند و من هم دست بچه‌ها را گرفتم و به مصطفی رفتم.

دختر و پسر بزرگم مدرسه می‌رفتند و فصل امتحانات خرداد ماه بود که تعطیل شد و دو پسر دیگر هم کوچک بودند.

زمان هرچه سخت‌تر اما گذشت و این بار خبر آزادی اسرا در میان مردم پیچید و ما هم که کلی فامیل اسیر داشتیم سر از پا نمی‌شناختیم و درگیر آماده کردن خانه آزادگان و پذیرایی از مردمی که می‌آمدند و ابراز خوشحالی می‌کردند بودیم.

پس از بازگشت آزادگان اوضاع کشور آرام بود و همسرم برای کار و ساخت بیشتر به مناطق جنوب می‌رفت تا اینکه سال ۷۲ خداوند دختر دیگری به ما عطا کرد و خانواده مان هفت نفری شد. اتفاق جالبی که پس از تولد دخترم افتاد آمدن آقای خنامه‌ای به تبریز بود که دخترم یک ماهه بود و به استادیوم تاختی به دیدار رفتم و همه عین زمان جنگ مرا مذمت می‌کردند بیکار هستی با بچه یک ماهه خودت را به خطر می‌اندازی ولی برای من که راهپیمایی، تشییع شهدا رفته و در مسجد در بسته بندی کمک‌ها فعالیت می‌کردم این کار سخت نبود و از طرف دیگر علاقه به دیدار رهبری هم بیشتر در ما وجود داشت چراکه حسرت دیدار امام را داشتیم.

سال‌ها گذشت بچه‌هایم بزرگ شدند دخترم کتک‌خور داد و پسر سربازی رفت و دو پسر دیگر هم کلاس دوم و سوم راهنمایی بودند و دختر کوچکم هم دوم ابتدایی درس می‌خواند که همسرم وقتی از سر کار برگشت گفت سر معده ام درد می‌کند چند روزی دکتر و عکس و آزمایش رفتم و مشخص شد واریس مری دارد و دکتر برای عمل به بیمارستان امام خمینی (ره) نوشت، ظهر بستری کردیم و آمدم تا پس فردای آن که روز دوشنبه بود عمل شد.

روز یکشنبه به بیمارستان رفتم، پسر هم از پادگان آمده و دخترم هم داروهایش را آورده بود نزدیک اذان مغرب وضو گرفت و اذان که دادند نماز خواند و قرآن خواست و دعا کرد و یک آن دیگر با دعایی که بر لب داشت سراغ پسرها و دختر کوچک را گرفت، گفتم وقت ملاقات نیست اجازه نمی‌دهند ما هم اتفاقی و برای آوردن دارو و ... آمدم. گفت کاش می‌آوردید چند بار تکرار کرد و بعد عین یک شمع خاموش شد.

دخترم سراغ پرستار رفت، دکتر و پرستارها آمدند و ما را از اتاق خارج و همسرم را احیا کردند، همسرم از اذان مغرب کما رفت و ساعت ۱۰ شب کلا قلبش ایستاد به همین آرامی و سادگی.

پزشکان سوال کردند سیگار می‌کشید گفتیم نه و ...



پس از رفتن همسرم باز صحبت‌های دوستان و برخی آشنایان نمک‌بر زخم بود که مدام می‌گفتند زن و بچه‌هایش را رها کرده و رفته جنگ، همسرم تنها در جبهه نبود بلکه سه برادر شوهرم هم در جبهه بودند یکی که پاسدار و همیشه در جبهه بود و دوتا برادر شوهر دیگر هم مانند همه مردم برای دفاع رفته بودند یکی در هویزه و دیگری در آبادان بود. پدر شوهرم گاهی از روستا می‌آمد و به خانواده‌های ما سر می‌زد و می‌رفت، بنده خدا محصولش در زمین مانده بود و کمکی برای دور نداشت اما گلایه نمی‌کرد و بیشتر دلنگ و نگران پسران و بیشتر از آن‌ها نگران نوه‌ها و عروس‌هایش بود.

پس از رفتن همسرم باز صحبت‌های دوستان و برخی آشنایان نمک‌بر زخم بود که مدام می‌گفتند زن و بچه‌هایش را رها کرده و رفته جنگ، همسرم تنها در جبهه نبود بلکه سه برادر شوهرم هم در جبهه بودند یکی که پاسدار و همیشه در جبهه بود و دوتا برادر شوهر دیگر هم مانند همه مردم برای دفاع رفته بودند یکی در هویزه و دیگری در آبادان بود. پدر شوهرم گاهی از روستا می‌آمد و به خانواده‌های ما سر می‌زد و می‌رفت، بنده خدا محصولش در زمین مانده بود و کمکی برای دور نداشت اما گلایه نمی‌کرد و بیشتر دلنگ و نگران پسران و بیشتر از آن‌ها نگران نوه‌ها و عروس‌هایش بود.

خلاصه همسرم پس از مدتی بازگشت و این بار در مسجد محل مان و هر جا که لازم بود به کمک افراد ستاد پشتیبانی می‌رفت و من هم دخترم که مدرسه می‌رفت راهی کلاس درس می‌کردم و با پسر بزرگ و پسر کوچکم به مسجد می‌رفتم و در بسته‌بندی وسایل رزمندگان کمک می‌کردم.

جنگ انگار تمام شدنی نبود و صدام این بار بمباران شهرها را شروع کرد که تبریز هم جزو آن‌ها بود. تازه پسر سومم به دنیا آمده بود که همه فامیل گفتند جمع کنیم برویم روستا و من مخالف بودم و می‌گفتم خون ما که رنگین تر از دیگران و شهدا نیست. ولی فامیل و اقوام و آشنایان اصرار داشتند بچه‌ها را بردارم و بروم روستا خانه مادر شوهرم چون همسرم بیشتر شب‌ها خانه نبود و از طرفی هم هواپیمای چندین بار مناطق مختلف مارالان را بمباران کرده بود.

یک هفته به روستا رفتم، همه فامیل جمع بودند، چندین شهید و اسیر داشتیم، پسر دایی‌های همسرم و چند نفر از اقوام دیگر شهید شده، خواهرزاده خودم، خواهرزاده جاری کوچکم و برادر جاری بزرگم، نوه عمه ام، پسر دایی همسرم و پسر یکی از عموزاده‌هایم هم به اسارت دشمن درآمده و در عراق بودند.

در مدتی که روستا بودیم صبح یکی از روزها صدای بمب آمد همه وحشت زده بودند که ای داد روستاها را هم صدام بمباران می‌کند بعد چند روز متوجه شدیم صدام مدرسه زینبیه میانه را بمباران کرده و چون روستای ما نزدیک میانه بود صدایش تا روستاهای اطراف هم آمده است. در آن بمباران دانش‌آموزان زیادی به خاک و خون کشیده شدند. با این اوصاف بالاخره روستا را رها کرده به شهر تبریز بازگشتم و زندگی خود را در شهر از سر گرفتم. روزها به همین منوال همراه با جنگ، کار ما هم کمک در مسجد و بافت شال و کلاه و جوراب در خانه و کار همسرم روزها به ساختمان‌ها و از عصر به بعد پایگاه بسیج و مسجد حضرت ابوالفضل بود تا اینکه در اخبار اعلام کردند امام خمینی (ره) قطع نامه ۵۹۸ را قبول کرده است.

همسرم دوران کودکی که خاطر شرایط روستا در آن زمان

طرح نو؛ رقیه غلامی مادران خانه دار شاغل نیستند، برجسته نیستند اما مادرند، گمنام که بیشتر ما از آن‌ها غافل هستیم، مادرانی که برخی از آن‌ها علاوه بر مادر، پدر هم برای فرزندان خود هستند، مادرانی که سختی می‌کشند تا با صبر و قناعت فرزندان صالح تربیت کنند.

مادر یعنی مهر یعنی صبر یعنی قناعت، با این واژه‌هاست که می‌توان مادر را شناخت، مادرانی که بیشتر آن‌ها گمنام هستند، مادرانی که شاغل نیستند، برجسته نیستند اما مادرند. مادرانی که بیشتر ما از آن‌ها غافل هستیم، مادران خانه دار بخصوص مادرانی که با فوت همسرانشان بار زندگی بر دوش آن‌ها افتاده و در کنار مادری پدر هم برای فرزندان خود بودند.

مادرانی که سختی می‌کشند تا فرزندان شان درست تربیت و به جامعه تحویل داده شوند و از این قسم مادران در جامعه کم نداریم ولی هرگز به آن‌ها نپرداختیم. خبرگزاری بسیج در همین راستا و در هفته مقام مادر و روز زن با یکی از این مادران گفت و گویی داشت، آنچه می‌خوانید حاصل این گفت و گوست که به صورت روایی تقدیم مخاطبان می‌شود؛

علویه السادات شجاعی هستم، سال ۱۳۳۶ در یک خانواده کشاورز و تقریباً متکثر به دنیا آمدم، آخرین فرزند خانواده بودم و علاوه بر خانه و کار کشاورزی و دامپروری و مرغداری در روستا، در تبریز هم در محله مارالان خانه داشتم و همین موجب شده بود زندگی شهری روستایی داشته باشم.

دو خواهر و دو برادر هم داشتم که به جز برادر کوچکم، همه ازدواج کرده و خواهر کوچکم در تبریز زندگی می‌کرد و برادر و خواهر بزرگم هم مانند ما هم در روستا و هم در تبریز خانه داشتند.

دوران کودکی ام مانند همه بچه‌های روستایی با کار در خانه و کمک به مادر و با توجه به وضعیت تحصیل آن زمان بی آن که طعم درس و مشق را بچشم گذشت، تا اینکه وقتی ۱۲ ساله بودم پدرم از دنیا رفت، پداری که زیر زور نمی‌رفت و بارها توسط مأموران رژیم شاهنشاهی تهدید و دستگیر شده بود، پدرم با رژیم طاغوت مخالف بود و منشاء این مخالفت به زمان کشف حجاب که پدرم سرباز بود و مجبور می‌کرده اند چادر زنان را باز کند و از آن ممانعت کرده بود بازمی‌گشت.

دوره نوجوانی ام نیز همراه با کار خانه و کمک به خواهر و برادر بزرگم با بچه‌داری آن‌ها بود تا به امور دیگر خودشان برسند.

چند سالی گذشت و وقتی به ۱۶ سالگی رسیدم متوجه شدم خانه مان میهمانی است و سماور و وسایل آماده می‌کنند وقتی از زن‌دادم پرسیدم گفت مراسم عقدت است.

نمی‌خواستم به این زودی ازدواج کنم و وقتی به مادرم گفتم و فهمیدم داماد پسر دایی ام است مادرم گفت: «عروس هرکسی هم می‌شدی دایی ات بزرگ فامیل است و او باید رضایت می‌داد و حالا که عروس خودش می‌شوی».

به این ترتیب عروس دایی ام شدم، خانواده دایی ام ما پر جمعیت، اهل حال و مهربان بودند و مادر شوهرم که زن دایی ام بود زنی با درایت، دلسوز و با جرات بود و از کار مامایی، شکسته‌بندی سر در می‌آورد و در داروی گیاهی خیره و متبحر بود به طوری که بیماران زیادی را مداوا می‌کرد.

پس از چند سال از ازدواج با همسرم به تبریز آمدم و خانه‌ای اجاره کردیم آن هم درست زمانی که تحرکات انقلابی در تبریز بیشتر شده و همسرم هم با برادر شوهرهایم در تظاهرات و سخنرانی‌ها شرکت می‌کردند و چندین بار هم تعقیب شدند و کتک خوردند.

آذرآبادگان؛ دیارِ آزادگان



طرح نو؛ محبوبه غلامی

تو همایون مهد زرتشتی و فرزندان تو پور ایرانند و پاک‌آیین نژاد آریان اختلاف لهجه، ملیت نژاید بَهر کس ملتی با یک زبان کمتر به یاد آرد زمان گر بدین منطق تو را گفتند ایرانی نه‌ای صبح را خوانند شام و آسمان را ریسمان بی‌کس است ایران، به حرف ناکسان از رَه مَرَو جان به قربان تو ای جانانه آذربایجان با خطی برجسته در تاریخ ایران نقش بست همت والای سردار مهین ستارخان «شهریار»

آذربایجان که در شاهنامه از برای رعایت وزن به‌شکل «آذربادگان» آمده، دیار و سرزمین «آزادگان» یعنی «ایرانی‌ها» شناخته شده است؛ چه‌این‌که به یقین می‌دانیم مراد از آزادگان در سرتاسر شاهنامه ایرانی‌ها هستند. بنابراین به یقین می‌توان دانست که این خُشترَه خاکِ جدایی‌ناپذیر ایران بوده، هست و خواهدبود.

ارجمندی آذربایجان تا هزارها کشیده شد؛ چنان‌که در پایان دوره قاجاریه از مهم‌ترین بخش‌های کشور شناخته می‌شده و آن شهر ولیعهدنشین بوده است. اکنون برای این‌که بدانیم غائله آذربایجان چگونه پیش آمد نیاز است تا از سال ۱۳۱۸ رخدادهای پیگیری شوند. در این سال با حمله آلمان به لهستان جنگ جهانی دوم آغاز شده و با ورود کشورهای دیگر به آن کم کم گستره جهانی یافت. رضا شاه برای آن‌که کشور از شعله جنگ دور بماند بی‌طرفی کشور را اعلام کرد و مقامات نیز امیدوار بودند که با این اعلام بی‌طرفی بتوانند روابط دوستانه خودشان را با دو طرف جنگ حفظ کنند، اما در این برهه زمانی حمله ارتش آلمان به شوروی معادلات سیاسی را در گستره جهانی تغییر داد.

گزارش

نازی‌ها خواستار نابودی ارتش سرخ شوروی بوده و در این جنگ موقعیت برتری داشتند، اما شوروی با انگلیس و آمریکا همراه شده، گروه «متفقین» را تشکیل داده و موقعیت برتر در جنگ را به‌دست‌آورد.

در این جنگ ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه و کارآمدی که داشت مورد نظر هر دو طرف جنگ یعنی متفقین و «متحدین» قرار گرفت. پس شوروی و متحدانش حضور آلمان‌ها در ایران را –که از سال‌ها پیش آغازیده بود – دستاویز خود قرار داده و در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰ شوروی از شمال و بریتانیا از جنوب وارد کشور ایران شده و آن‌را تحت اشغال خود درآوردند.

در پی رویداد اشغال ایران، رضا شاه در ۲۰ شهریور ۱۳۲۰ مجبور به کناره‌گیری از پادشاهی شده و ولیعهد ۲۲ ساله‌اش «محمدرضا» به پادشاهی رسید. ایران رسماً به تسلط شوروی و انگلیس درآمده و هر کدام از آن‌ها دنبال منافع خود بودند. در پی این موضوع مذاکراتی انجام شد که طی آن روس و انگلیس متعهد شدند تا ظرف ۶ ماه، پس از پایان جنگ، ایران را ترک کنند. نهایتاً پس‌از گذشت زمانی کریدور ایران باعث برتری متفقین در برابر آلمان‌ها شده و در آذر ماه ۱۳۲۲ به برقراری «کنفرانس تهران» توسط سران سه کشور شوروی، انگلیس و آمریکا در تهران انجامید. که طی آن تاکید بر اهمیت نقش ایران در پیروزی شده و طرفین متعهد شدند که ضمن احترام به تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران، تمام افرادِ ارتش خود را پس‌از پایان جنگ از ایران خارج کنند.

بهار سال ۱۳۲۴ متفقین به‌طورکامل در برابر متحدین پیروز شده و آخرین سنگر آلمان‌های نازی در برلین سقوط کرد؛ در این بازه زمانی دولت و مردم ایران انتظار داشتند که متفقین هرچه زودتر کشور را ترک کنند، اما روس‌ها تلاش آشکاری برای ماندن در ایران کرده و خروج از ایران را به کسب امتیاز نفت شمال گره زدند. حتی طی نشستی که پس‌ازآن در برلین انجام شد نماینده ایران موضوع خروج نیروهای شوروی از خاک ایران را مطرح کرد، اما استالین موضوع جنگ در ژاپن را پیش کشیده و به این بهانه با خروج نیروهایش از ایران مخالفت کرد. در ادامه روس‌ها پروژه تجزیه ایران با هدف قرار دادن آذربایجان را در دستور کار خود قرار دادند. میرجعفر باقراف دبیر اول حزب کمونیست در باکو که اندیشه‌های پان‌ترکی داشته و آرزوی جدایی آذربایجان از ایران و الحاق آن به شوروی را در سر می‌پرورید، بستر را برای خود مناسب دیده و زمینه

برای آرزوهایش مهیا شد. پس در این خیال هزاران مهاجر قفقازی آموزش‌دیده را به ایران فرستاد تا با انجام فعالیت‌های تبلیغی مردم آذربایجان را به جدایی از ایران ترغیب کنند. تابستان سال ۱۳۲۴ استالین پیامی به باقراف فرستاده و به او دستور داد تا پروژه حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در آذربایجان و شمال ایران را آغاز کند. او طی این پیام به او گوشزد کرده بود تا افرادی را برای تأسیس احزاب جدایی‌طلب در شمال و به‌ویژه آذربایجان مامور کند؛ چه‌این‌که آذربایجان برای روس‌ها به‌سان اهرمی شناخته می‌شد که از آن به‌عنوان ابزار باج‌خواهی از دولت ایران بهره می‌برد.

در این برهه از بین افرادی که امکان ایجاد حزب جدایی‌طلب در آذربایجان را داشتند مناسب‌ترین شخص جعفر پیشه‌وری بود. وی از کمونیست‌های قدیمی در ایران شناخته می‌شد که با میرزاکوکچ‌خان جنگلی همکاری داشته و پس‌از سرکوب شدن نهضت جنگل به شوروی فرار کرد و ۱۵ سال در آن‌جا اقامت گزیده بود. او پس از شهریور ۱۳۲۰ به تهران بازگشته و فعالیت روزنامه نگاری خود را آغاز کرد، سال ۱۳۲۲ به آذربایجان رفته و با حمایت حزب توده و شوروی در مجلس چهاردهم شورای ملی به‌عنوان نماینده تبریز انتخاب شد؛ اما به دلیل شکایت مردم آذربایجان از اعمال نفوذ شوروی در انتخابات تبریز اعتبارنامه او رد شد. در پی این شکست، نزدیکی پیشه‌وری با شوروی بسیار بیشتر شد؛ چنان‌که وی تنها یک‌ماه پس‌ازآن به دستور استالین زیر نظر باقراف به انجام فعالیت پرداخت. در پی این موضوع با انحلال حزب توده در آذربایجان جریان تجزیه‌طلبی در آن سازماندهی شده و فرقه دموکرات آذربایجان توسط جعفر پیشه‌وری اعلام موجودیت کرد. با این اعلام موجودیت، اعضای مسلح آن و مهاجران مسلح و شورشی قفقازی به شهرهای مختلف آذربایجان فرستاده شده و به مراکز حکومتی حمله کردند، چنان‌که در تبریز و دیگر شهرها این مراکز را به اشغال خود درآوردند. هم‌زمان در مهاباد نیز جمهوری مهاباد توسط قاضی‌محمد اعلام موجودیت کرد؛ که در ادامه بین آن‌ها قرارداد دفاعی مشترک در برابر ارتش ایران بسته شد. بنابراین با دخالت آشکار شوروی در امور داخلی ایران شمال‌غرب کشور در آستانه تجزیه قرار گرفت.

پاییز ۱۳۲۴ مردم ایران منتظر انجام حرکتی قاطع بودند. بنابراین در همان هنگام فرمان حرکت یگان‌های نظامی به سمت شمال‌غرب صادر شد، اما واحدهای ارتش

شورای امنیت با دفاع از حسین علا خواهان سخنرانی او شدند. چنان‌که نماینده مصر در این نشست گفت: «دولت شوروی هم‌چنان و بعد از دوم مارس نیروهای خود را در ایران باقی گذاشته» و از شکایت ایران دفاع کرده و این‌را حق ایرانیان دانست. در پی این سخنان و توجه نمایندگان کشورها به آن، نماینده روسیه و شورای همراش از نشست خارج شده و حسین علا برای سخنرانی در جایگاه قرار گرفت. او اقدامات شوروی را مغایر با استقلال و حق حاکمیت ملی ایران توصیف کرده و خواهان همراهی جامعه جهانی برای خروج نیروهای شوروی از ایران شد.

در این زمان دیپلماسی ایران جواب داده و شوروی از طرف شورای امنیت ملل تحت فشار قرار گرفت، از طرفی هری ترومن رئیس جمهور آمریکا به شوروی هشدار داد که اگر روس‌ها شمال‌غرب ایران را تخلیه نکنند آمریکا و متحدانش هم با تعدیل خروج نیروهایشان از چین حکومت‌های تحت حمایت شوروی در شرق اروپا را به رسمیت نخواهد شناخت. بنابراین روسها به خروج از ایران تن دادند. قوام‌السلطنه و سادچیکوف هم در تهران توافق امضا کردند که بنابرآن ارتش سرخ از خاک ایران خارج شد و غائله شمال‌غرب ایران را به‌عنوان مسئله داخلی ایران می‌پذیرفتند. در مقابل قوام‌السلطنه هم پذیرفت که طرح ایجاد شرکت نفت ایران–شوروی را پس‌از انتخابات انجام انتخابات به مجلس پیشنهاد کند. در پی این توافق که در آخرین روزهای فروردین ماه انجام شد آخرین واحدهای نظامی شوروی در بهار ۱۳۲۵ ایران را ترک کردند. در این بازه زمانی با تغییر موازنه قوا به نفع ایران، حکومت فرقه دموکرات آذربایجان را به‌جمهوری مهاباد نیز در آستانه سقوط قرار گرفتند. جعفر پیشه‌وری نامه‌ای به اتحاد جماهیر شوروی نوشته گلایه از خروج نیروهای‌شان کرده و از آن‌ها درخواست کمک تسلیحاتی برای مقابله با ارتش ایران کرد.

در آذر ۱۳۲۵ پروژه نجات آذربایجان آغاز شده و ارتش ایران به فرماندهی علی رزم‌آرا برای سرنگونی فرقه دموکرات به سوی تبریز حرکت کرد. با پیشروی ارتش ایران، جعفر پیشه‌وری در ۲۰ آذر همراه با وابستگان خود سوار بر ماشین‌هایی که میرجعفر باقراف فرستاده بود به سوی باکو فرار کرد.

در این زمان بسیاری از مردم تبریز علیه شبه نظامیان پیشه‌وری قیام کرده و کنترل کامل شهر را به دست گرفته بودند، بنابراین صبح ۲۱ آذر ۱۳۲۵ ارتش کشور بدون انجام تیربارن وارد تبریز شد. چنان‌که دشمنان ایران غافل بودند که آذربایجانی‌ها مانند کوه همیشه ایستادگی کرده و ایران را پاس داشته‌اند. از این رو پس از پایان غائله، ۲۱ آذر در تقویم ایران به نام آذرآبادگان زینت گرفته، و این و خیابان‌های زیادی به نام آذرآبادگان زینت گرفته، و این روز در گوشه و کنار کشور جشن گرفته می‌شد.از سقوط فرقه دموکرات آذربایجان جمهوری خودمختار مهاباد نیز تسلیم ارتش شد.

ایران در آغاز حرکت خود در نزدیکی قزوین با سد ارتش سرخ شوروی روبه‌رو شدند؛ چه‌این‌که یگان‌های نظامی آن‌ها هنوز در بخش وسیعی از خاک ایران باقی مانده و کشور را ترک نکرده بودند.

دی ماه ۱۳۲۴ حکومت ایران در واکنش به این دخالت آشکار شکایتی را به سازمان تازه تأسیس ملل ارائه کرد. سیدحسین تقی‌زاده به‌عنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل با ارائه این شکایت، از اعضای جامعه جهانی درخواست کرد تا به این موضوع رسیدگی کنند. (باید توجه داشت این اولین دادخواستی بود که به سازمان ملل در بدو تأسیس داده می‌شد؛ شکایت ایران از شوروی) توسعه‌طلبی شوروی دیگر ثبات جهان را نشانه گرفته بود، بنابراین آمریکا و انگلیس که پیش‌تر نقش متحدان شوروی را داشتند حالا از ایران حمایت می‌کردند و از تهران خواستند که مشکلات را دوجانبه و با گفت‌وگو حل کنند.

احمد قوام‌السلطنه با تجربه سال‌ها حضور در بالاترین رده‌های تصمیم‌گیری و داشتن سه دور نخست‌وزیری در کارنامه خود، در این بازه زمانی مامور تشکیل دولت شد. وی با توجه به سیاست‌ورزی فراوانی که داشت دوهفته پس‌از تشکیل هیئت‌دولت‌با هیئتی از عالی‌رتبه‌ها برای دیدار با استالین راهی مسکو شد. خروج قوای شوروی از ایران پایان دادن به پروژه تجزیه اصلی‌ترین ماموریت قوام در این سفر بود، اما رهبران شوروی هرگونه خروج نیروهایشان از ایران را به دریافت امتیاز نفت شمال منوط کردند؛ بنابراین قوام‌السلطنه در تصمیمی هوشمندانه اعطای امتیاز نفت را نیازمند تایید و تصویب مجلس شورای ملی دانسته و وعده داد که در صورت خروج نیروهای شوروی از ایران طرح را به مجلس خواهد برد. سپس با بهانه قرار دادن پایان یافتن دوره مجلس چهاردهم از شوروی خواست که تا زمان برگزاری مجلس پانزدهم به ایران زمان داده شود؛ و روس‌ها پذیرفتند. دو هفته بعد ایوان سادچیکوف سفیر اتحاد جماهیر شوروی برای گفت‌وگو به تهران آمده و با نخست‌وزیر ایران مذاکراتی را انجام داد. قوام السلطنه که اعتمادی به وعده‌های شوروی برای خروج از ایران نداشت همان هنگام به حسین علا سفیر ایران در سازمان ملل پیام داد تا نامه شکایت جدیدی علیه شوروی را در آن‌جا مطرح کند تا این اهرم فشاری بر روس‌ها باشد. فروردین ۱۳۲۵ رسیدگی به شکایت ایران در دستور کار شورای امنیت ملل قرار گرفت؛ بنابراین نماینده شوروی با پوچ خواندن ادعای ایران سعی کرد آن را از دستور کار خارج کند، اما اعضای

تاملی بر کتاب؛ اتحاد جماهیر شوروی –ایران؛

بحران آذربایجان و جنگ سرد

شوروی» به مسکو ارسال می‌گردیده است. این گزارشات مستقیماً برای سران اتحاد جماهیر شوروی بمانند استالین، مولوتف، بریا و مالنکوف تهیه می شده است.

۴- در صفحه ۱۳۷ از فصل ششم کتاب با عنوان «فعالیت گنگره ملی آذربایجان» سندی ارائه می‌گردد پیرامون یکی از گزارشات اسرالی روزانه به مسکو توسط میر جعفر باقراف به تاریخ ۱۹۴۵/۱۱/۲۰ میلادی که در آن میر جعفر باقراف جهت مسلح نمودن نیروهای موسوم به فدائیان فرقه در آذربایجان درخواست فوری ارسال ۱۰۰۰۰ قبضه تفنگ و مهمات دیگر توسط قطاری ویژه را دارد.

۵- در صفحه ۱۴۵ از فصل ششم کتاب با عنوان «فعالیت گنگره ملی آذربایجان» سندی ارائه می‌گردد پیرامون یکی از گزارشات اسرالی روزانه به مسکو توسط میر جعفر باقراف به تاریخ ۱۹۴۵/۱۱/۲۱ میلادی که در آن میر جعفر باقراف درخواست فوری ارسال لباس گرم و پول و حمایت مالی از سوی کاخ کرملین را دارد. وی در گزارش خود می آورد: «نبرد سختی بین نیروهای ملی و دولتی ایران و چریک های فرقه دمکرات در شهرهای مختلف آذربایجان بوقوع پیوسته است و جهت پیشبرد این نبردها به موارد اشاره شده نیاز فوری می باشد.»

۶- در صفحه ۳۱۰ از فصل دوازدهم کتاب با عنوان «اولویت سیاست نفتی اتحاد جماهیر شوروی در ایران» سندی ارائه می‌گردد پیرامون یکی از گزارشات اسرالی روزانه به مسکو توسط میر جعفر باقراف به تاریخ ۱۹۴۶/۴/۳ میلادی که در آن میر جعفر باقراف این چنین گزارش می‌دهد: «پیرامون خروج ارتش سرخ از خاک ایران با پیشه‌وری و دیگر سران فرقه و نیز از تمایل یک طرفه دولت مرکزی ایران جهت آغاز مذاکرات با فرقه و حل بدون درگیری و صلح آمیز این قائله اطلاع رسانی شده است.»

۷- در صفحه ۴۳۰ از فصل شانزده کتاب با عنوان «شکست سیاست استالینستی در آذربایجان ایران» سندی ارائه می‌گردد از آرشویو وزارت امنیت داخلی اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۴۶ میلادی، در بخشی از سند مذکور می خوانیم: «معاون وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی روز بیست و هشت نوامبر دستورات لازم را از طرف مسکو به صورت رمز به باکو ارسال کرده و تا شب هنگام همان روز

طرح نو؛ سردبیر
کتاب «اتحاد جماهیر شوروی _ ایران: بحران آذربایجان و جنگ سرد» تحقیقی جامع و مستند از مجموعه اسناد آرشیو وزارت امنیت داخلی و وزارت خارجه اتحاد جماهیر شوروی و نیز دیگر اسناد مستند موجود از جمله اسناد منتشر شده‌ی کشورهای امریکا و انگلیس پیرامون حوادث ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و فرقه‌ی دموکرات پیشه‌وری است. این کتاب با تلاش جمیل حسینی و با تدوین علمی دکتر س.م علی اف «دارای دکترا ی تاریخ ، استاد و محقق ارشد موسسه مطالعات شرقی مسکو» در سال ۲۰۰۶ میلادی و در شهر مسکو به چاپ رسیده است.

هر چند در این کتاب اشکالات و تحریفات چشم گیری همچون استفاده از اسامی جعلی مانند آذربایجان جنوبی و شمالی به چشم می‌خورد و نیز ایرادات اساسی در نحوه جهت گیری نگارش دارد، اما با وجود همه این موارد حاوی نکات و اسناد مستند و علمی بسیاری است که به روشنی نقش و اراده‌ی سران اتحاد جماهیر شوروی در روزمره ترین و کوچک‌ترین تحرکات سران فرقه‌ی دموکرات و تصمیمات آنها را روشن می‌سازد.

در ادامه به مواردی از اسناد و مطالب مهم ذکر شده در این کتاب پیرامون دخالت های مستقیم مقامات اتحاد جماهیر شوروی در تصمیمات و عملکرد سران فرقه دمکرات آذربایجان اشاره خواهد شد:

۱- در صفحه ۱۹ از فصل اول کتاب با عنوان (ورود نیروهای شوروی به ایران و تقویت جایگاه اتحاد جماهیر شوروی در آذربایجان ج.ن.و.ب.ی) سندی ارائه می‌گردد متعلق به آرشویو وزارت امنیت ملی اتحاد جماهیر شوروی بخش جایگاه اتحاد جماهیر شوروی در آذربایجان ج.ن.و.ب.ی به شماره پرونده ی ۱۲۰، صفحات ۱۲ تا ۲۳ ، در بخشی از این سند می خوانیم: «اطلاعات بسیاری در مورد حقایق غارت ده ها تن از آذربایجانی ها توسط افسران و سربازان ارتش سرخ در روز اول پس از ورود به آذربایجان ج.ن.و.ب.ی در آرشویو موجود است.

۲- در صفحه ۱۰۳ از فصل پنجم کتاب با عنوان «آموزش حزب دموکرات آذربایجان و ایده استقلال» سندی ارائه می‌گردد متعلق به آرشویو مکالمات مشاور سفارت اتحاد جماهیر شوروی در تهران به تاریخ ۱۹۴۵/۸/۴ میلادی، در بخشی از این سند می‌خوانیم: «مشاور سفارت شوروی در تهران A.Yakubov. روزهای اولیه اوت ۱۹۴۵

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام صادق (ع):
اگر دنیا نابودشدنی است، پس دل خوش کردن به آن، چرا؟!.

چهارشنبه ۱۹ آذر ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۱۴۶۰

خبر

مانور تمام‌عیار زلزله «صلابت آذربایجان» برگزار می‌شود



طرح نو؛ گروه شهری
مدیرکل مدیریت بحران استانداری آذربایجان شرقی از برگزاری مانور تمام‌عیار زلزله «صلابت آذربایجان» در شهرداری شیریار با هدف ارزیابی سطح آمادگی دستگاه‌های امدادی و اجرایی استان خبر داد.

این مانور روز امروز چهارشنبه ۱۹ آذر ماه سال جاری با سناریوی زلزله فرضی به بزرگی ۶.۴ ریشتر و با کانون شهر جدید شیریار برگزار خواهد شد. در این مانور، میزان آمادگی و هماهنگی دستگاه‌های امدادی، عملیاتی، انتظامی و خدماتی با محوریت اداره کل مدیریت بحران استان سنجیده می‌شود.

مجید فرشی هدف اصلی این مانور را سنجش میدانی آمادگی دستگاه‌ها، ارزیابی هماهنگی میان مجموعه‌های عملیاتی و توان واکنش سریع در شرایط بحرانی عنوان کرد.

وی افزود: سناریوی طراحی شده بر پایه وقوع زلزله‌ای با بیش از ۲۵۰ نفر فوتی است و اولویت نخست عملیات، نجات حادثه‌دیدگان از زیر آوار خواهد بود. فرشی گفت: در مجموع حدود ۳۰۰۰ نفر از نیروهای دستگاه‌های مختلف در این مانور مشارکت دارند که بیشترین حجم نیرو مربوط به نیروی انتظامی، هلال‌احمر استان و آتش‌نشانی تبریز است.

به گفته مدیرکل مدیریت بحران، این مانور با نام و یاد شهید «مهدی زرتاجی» از شهدای هلال احمر در جنگ ۱۲ روزه برگزار می‌شود.

وی گفت: در حاشیه مانور نیز نمایشگاه توانمندی بخش خصوصی در حوزه مدیریت مخاطرات حوادث برپا خواهد شد که برخی شرکت‌ها توان ارائه خدمات پهبادی، شناسایی و زنده‌یابی را دارند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری آذربایجان شرقی در جریان این مانور دستگاه‌های مختلف تکالیف مشخصی بر عهده دارند؛ از جمله هلال‌احمر استان که عملیات امداد و نجات و هلی‌برن نیرو توسط بالگرد را اجرا خواهد کرد.

مجید فرشی ادامه داد: اورژانس، آتش‌نشانی تبریز، خدمات شهرداری‌ها، شرکت مخابرات و دیگر دستگاه‌ها در این مانور مشارکت خواهند داشت. همچنین مخابرات استان نیز با نصب BTS سیار، زیرساخت‌های ارتباطی مانور را تأمین می‌کند. آموزش و پرورش نیز خدمات آموزشی پشتیبان را به صورت کلاس کانکسی ارائه خواهد کرد.

فرشی افزود: بالغ بر ۵۰۰ نفر از کارکنان نیروی انتظامی برای تأمین امنیت فرضی منطقه حادثه در عملیات مشارکت خواهند داشت.

گفتنی است بخش عملیاتی مانور از ساعت ۸ تا ۱۲ روز چهارشنبه ۱۹ آذر ماه سال جاری اجرا می‌شود. همچنین از ساعت ۶ تا ۱۲ همان روز، محدودیت‌های ترافیکی در محدوده شهر جدید شیریار و سهرای اهر اعمال خواهد شد.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری تبریز خبر داد:

بهره‌برداری از کارواش شهرداری تبریز تا دو ماه آینده



طرح نو؛ گروه شهری
مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری تبریز از بازگشت ۲۵ همت سرمایه راکد شهرداری در پروژه‌های سرمایه‌گذاری سال‌های قبل خبر داد.

داود باغی پیش از ظهر امروز در ادامه نشست‌های خبری مدیران شهرداری تبریز با تحریریه شیریارنیوز با تشریح جزئیات بودجه و برنامه‌های این سازمان در سال ۱۴۰۴ گفت: بودجه سال جاری سازمان سرمایه‌گذاری ۷۲۵ میلیارد تومان است که از این میزان، ۲۵ میلیارد تومان به بخش جاری و ۷۰۰ میلیارد تومان به پروژه‌های عمرانی اختصاص یافته است.

وی افزود: تحقق بودجه هشت ماهه سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری تبریز ۱۰۰ درصد است که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال بیش از این مقدار باشد. وی با بیان اینکه منابع درآمدی سازمان از سه بخش تأمین می‌شود، افزود: سه درصد از محل درآمد مناطق، ۲۰ درصد از پروژه‌هایی که به مرحله بهره‌برداری رسیده‌اند و همچنین سود سهام شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های وابسته به شهرداری، مهم‌ترین منابع تأمین درآمد سازمان هستند.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری با اشاره به رویکرد جدید این مجموعه در دوره فعلی اظهار کرد: در دوره فعلی مدیریت شهری مقرر شد پروژه‌های نیمه‌تمام یا حذف‌شده سال‌های گذشته، دوباره راهبری و تکمیل شوند تا سرمایه‌های راکد به جریان توسعه شهری بازگردند.

وی افزود: در همین راستا در دوره فعلی مدیریت شهری ۲۵ همت سرمایه راکد باغی ادامه داد: احداث پل‌های عابرگذر، هتل بوتیک، تلویزیون‌های شهری و پروژه‌های خرد خدمات شهری با مجموع اعتباری

شهررداری در پروژه‌های ناموفق بخش خصوصی بازگشته است. باغی با تأکید بر نقش قانون درآمدهای پایدار در تقویت توان سرمایه‌گذاری شهرداری خاطر نشان کرد: پس از تصویب این قانون، خرید سهام و استفاده از ظرفیت‌های مولدسازی اموال منقول شهرداری‌ها بدون برگزاری مناقصه امکان‌پذیر شد که تحول مهمی در رفع موانع سرمایه‌گذاری بود. وی ادامه داد: در حوزه تصمیم‌گیری پروژه‌ها، تا سقف ۲۰۰ میلیارد تومان در سطح سازمان، تا ۵۰۰ میلیارد تومان در شورای سازمان، تا هزار میلیارد تومان در هیئت سرمایه‌گذاری و مبالغ بالاتر در شورای شهر تعیین تکلیف می‌شود.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری تبریز با اشاره به آخرین وضعیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری تصریح کرد: اخیراً تفاهم‌نامه‌ای نزدیک به هزار میلیارد تومان مربوط به پروژه «هایپر استار باغ‌وزیر» امضا شده که به‌زودی فراخوان خواهد شد. این پروژه ظرفیت ۶ همت سرمایه‌گذاری دارد.

وی افزود: پروژه نگین خاوران که قبلاً فسخ شده بود، در حال طی مراحل جدید است و می‌تواند تا ۶ همت حجم سرمایه‌گذاری داشته باشد. مجتمع مسکونی ولی‌امر در مرحله عقد قرارداد قرار گرفته و نیاز به اخذ مصوبه کمیسیون ماده پنج دارد. پروژه میراث روستایی نیز با حجم ۲۰۰ میلیارد تومان به‌صورت BOT مراحل خود را طی کرده است.

باغی ادامه داد: احداث پل‌های عابرگذر، هتل بوتیک، تلویزیون‌های شهری و پروژه‌های خرد خدمات شهری با مجموع اعتباری

حدود ۲۰ میلیارد تومان در مسیر اجرا قرار دارند و تا پایان سال، مجموع قراردادهای سرمایه‌گذاری سازمان به ۲۵ همت خواهد رسید.

وی از بهره‌برداری از کارواش شهرداری تبریز طی دو ماه آینده خبر داد و گفت: پروژه کارواش سیکا در میدان آذربایجان پس از اعمال ماده هشت و خلع بد پیمانکار تحویل سازمان شده و پس از اصلاحات و بازرینی انجام گرفته توسط شهرداری تبریز اجرایی شده که تا ۲ ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد.

به گفته باغی افزود: این مجموعه شامل کارواش، رستوران و خانه تولد است که به زودی به بهره‌برداری می‌رسد.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری با اشاره به ۶ پروژه مهم بخش خصوصی که در حال اجراست، افزود: پارکینگ تجاری هفت‌تیر، پروژه عارف، پروژه خلیج، مجتمع تجاری-خدماتی کنار کلینیک امام رضای (ع)، مجتمع ۳۶۴ واحدی سما، مجتمع تجاری-مسکونی ترلان و مجتمع تجاری-خدماتی سون‌استار (تبریز مال) از جمله این پروژه‌ها هستند.

باغی همچنین به ۱۶ پروژه خدمات شهری و گردشگری از جمله رستوران صائب، سالن اسکیت شهید عدالت‌کبری، مجموعه پل‌های عابرگذر، شهربازی‌ها، بازارچه‌ها، پارکینگ‌ها و نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: برنامه‌های احیا، توسعه یا مشارکت در همه این پروژه‌ها در دستور کار قرار دارد.

وی درباره برنامه‌های آتی سازمان اظهار کرد: ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و املاک، پیگیری فسخ و اقاله سرمایه‌گذاری‌های ناموفق گذشته از طریق کمیسیون ماده ۸ برنامه‌های آتی این سازمان هستند.

باغی همچنین به ۱۶ پروژه خدمات شهری و گردشگری از جمله رستوران صائب، سالن اسکیت شهید عدالت‌کبری، مجموعه پل‌های عابرگذر، شهربازی‌ها، بازارچه‌ها، پارکینگ‌ها و نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: برنامه‌های احیا، توسعه یا مشارکت در همه این پروژه‌ها در دستور کار قرار دارد.

وی درباره برنامه‌های آتی سازمان اظهار کرد: ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و املاک، پیگیری فسخ و اقاله سرمایه‌گذاری‌های ناموفق گذشته از طریق کمیسیون ماده ۸ برنامه‌های آتی این سازمان هستند.

باغی همچنین به ۱۶ پروژه خدمات شهری و گردشگری از جمله رستوران صائب، سالن اسکیت شهید عدالت‌کبری، مجموعه پل‌های عابرگذر، شهربازی‌ها، بازارچه‌ها، پارکینگ‌ها و نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: برنامه‌های احیا، توسعه یا مشارکت در همه این پروژه‌ها در دستور کار قرار دارد.

وی درباره برنامه‌های آتی سازمان اظهار کرد: ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و املاک، پیگیری فسخ و اقاله سرمایه‌گذاری‌های ناموفق گذشته از طریق کمیسیون ماده ۸ برنامه‌های آتی این سازمان هستند.

باغی همچنین به ۱۶ پروژه خدمات شهری و گردشگری از جمله رستوران صائب، سالن اسکیت شهید عدالت‌کبری، مجموعه پل‌های عابرگذر، شهربازی‌ها، بازارچه‌ها، پارکینگ‌ها و نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: برنامه‌های احیا، توسعه یا مشارکت در همه این پروژه‌ها در دستور کار قرار دارد.

وی درباره برنامه‌های آتی سازمان اظهار کرد: ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و املاک، پیگیری فسخ و اقاله سرمایه‌گذاری‌های ناموفق گذشته از طریق کمیسیون ماده ۸ برنامه‌های آتی این سازمان هستند.

باغی همچنین به ۱۶ پروژه خدمات شهری و گردشگری از جمله رستوران صائب، سالن اسکیت شهید عدالت‌کبری، مجموعه پل‌های عابرگذر، شهربازی‌ها، بازارچه‌ها، پارکینگ‌ها و نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: برنامه‌های احیا، توسعه یا مشارکت در همه این پروژه‌ها در دستور کار قرار دارد.

وی درباره برنامه‌های آتی سازمان اظهار کرد: ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و املاک، پیگیری فسخ و اقاله سرمایه‌گذاری‌های ناموفق گذشته از طریق کمیسیون ماده ۸ برنامه‌های آتی این سازمان هستند.

باغی همچنین به ۱۶ پروژه خدمات شهری و گردشگری از جمله رستوران صائب، سالن اسکیت شهید عدالت‌کبری، مجموعه پل‌های عابرگذر، شهربازی‌ها، بازارچه‌ها، پارکینگ‌ها و نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: برنامه‌های احیا، توسعه یا مشارکت در همه این پروژه‌ها در دستور کار قرار دارد.

وی درباره برنامه‌های آتی سازمان اظهار کرد: ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و املاک، پیگیری فسخ و اقاله سرمایه‌گذاری‌های ناموفق گذشته از طریق کمیسیون ماده ۸ برنامه‌های آتی این سازمان هستند.

باغی همچنین به ۱۶ پروژه خدمات شهری و گردشگری از جمله رستوران صائب، سالن اسکیت شهید عدالت‌کبری، مجموعه پل‌های عابرگذر، شهربازی‌ها، بازارچه‌ها، پارکینگ‌ها و نمایشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: برنامه‌های احیا، توسعه یا مشارکت در همه این پروژه‌ها در دستور کار قرار دارد.

وی درباره برنامه‌های آتی سازمان اظهار کرد: ورود به صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و املاک، پیگیری فسخ و اقاله سرمایه‌گذاری‌های ناموفق گذشته از طریق کمیسیون ماده ۸ برنامه‌های آتی این سازمان هستند.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری درباره احداث شهربازی جدید تبریز نیز گفت: پارک ارم با وسعت ۱۰۰ هکتار ظرفیت بزرگ و مغفولی دارد. برای تهیه تجهیزات شهربازی، ۱۰۰ میلیارد تومان در بودجه سال جاری سازمان پیش‌بینی شده است.

وی افزود: زیرساخت‌های شهربازی ارم در حال تأمین است و منقاصه ۳۶ میلیاردتومانی نیز برگزار شده و در آستانه عقد قرارداد هستیم. نگاه ما به این مجموعه، ایجاد یک شهربازی در شأن تبریز با رویکرد فراشهری است.

باغی در رابطه با سرمایه‌گذاری در بخش هتلینگ نیز گفت: شهرداری برای احداث هتل‌ها معافیت کامل عوارض در نظر گرفته که مشوق مهمی برای سرمایه‌گذاران حوزه گردشگری است.

وی ادامه داد: در محدوده بازارچه اهل‌الستین و پارک ولی‌عصر (عج)، دو قطعه زمین آزاد وجود دارد که پس از دریافت مصوبات ماده پنج وارد مذاکره با سرمایه‌گذاران خواهیم شد.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری با اشاره به بازبینی کاربری‌های مجتمع تجاری نگین خاوران گفت: این پروژه قبلاً صرفاً تجاری بود اما اکنون یک طبقه از مجتمع به کاربری‌های ورزشی اختصاص یافته و امکان تعریف کاربری‌های فرهنگی و ورزشی در پروژه‌های بزرگ جدید فراهم شده است.

وی در پایان گفت: تمام تلاش ما این است که موضوعات مطرح‌شده را به قراردادهای قطعی تبدیل کنیم. قانون تأمین مالی تولید که اخیراً ابلاغ شده، ابزار جدیدی تحت عنوان «بسته‌های بی‌نام» فراهم کرده و هدف ما استفاده از آن برای کاهش بروکراسی و تسهیل ورود سرمایه‌گذاران است.

باغی در رابطه با سرمایه‌گذاری در بخش هتلینگ نیز گفت: شهرداری برای احداث هتل‌ها معافیت کامل عوارض در نظر گرفته که مشوق مهمی برای سرمایه‌گذاران حوزه گردشگری است.

وی ادامه داد: در محدوده بازارچه اهل‌الستین و پارک ولی‌عصر (عج)، دو قطعه زمین آزاد وجود دارد که پس از دریافت مصوبات ماده پنج وارد مذاکره با سرمایه‌گذاران خواهیم شد.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری با اشاره به بازبینی کاربری‌های مجتمع تجاری نگین خاوران گفت: این پروژه قبلاً صرفاً تجاری بود اما اکنون یک طبقه از مجتمع به کاربری‌های ورزشی اختصاص یافته و امکان تعریف کاربری‌های فرهنگی و ورزشی در پروژه‌های بزرگ جدید فراهم شده است.

وی در پایان گفت: تمام تلاش ما این است که موضوعات مطرح‌شده را به قراردادهای قطعی تبدیل کنیم. قانون تأمین مالی تولید که اخیراً ابلاغ شده، ابزار جدیدی تحت عنوان «بسته‌های بی‌نام» فراهم کرده و هدف ما استفاده از آن برای کاهش بروکراسی و تسهیل ورود سرمایه‌گذاران است.

باغی در رابطه با سرمایه‌گذاری در بخش هتلینگ نیز گفت: شهرداری برای احداث هتل‌ها معافیت کامل عوارض در نظر گرفته که مشوق مهمی برای سرمایه‌گذاران حوزه گردشگری است.

وی ادامه داد: در محدوده بازارچه اهل‌الستین و پارک ولی‌عصر (عج)، دو قطعه زمین آزاد وجود دارد که پس از دریافت مصوبات ماده پنج وارد مذاکره با سرمایه‌گذاران خواهیم شد.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری با اشاره به بازبینی کاربری‌های مجتمع تجاری نگین خاوران گفت: این پروژه قبلاً صرفاً تجاری بود اما اکنون یک طبقه از مجتمع به کاربری‌های ورزشی اختصاص یافته و امکان تعریف کاربری‌های فرهنگی و ورزشی در پروژه‌های بزرگ جدید فراهم شده است.

وی در پایان گفت: تمام تلاش ما این است که موضوعات مطرح‌شده را به قراردادهای قطعی تبدیل کنیم. قانون تأمین مالی تولید که اخیراً ابلاغ شده، ابزار جدیدی تحت عنوان «بسته‌های بی‌نام» فراهم کرده و هدف ما استفاده از آن برای کاهش بروکراسی و تسهیل ورود سرمایه‌گذاران است.

باغی در رابطه با سرمایه‌گذاری در بخش هتلینگ نیز گفت: شهرداری برای احداث هتل‌ها معافیت کامل عوارض در نظر گرفته که مشوق مهمی برای سرمایه‌گذاران حوزه گردشگری است.

وی ادامه داد: در محدوده بازارچه اهل‌الستین و پارک ولی‌عصر (عج)، دو قطعه زمین آزاد وجود دارد که پس از دریافت مصوبات ماده پنج وارد مذاکره با سرمایه‌گذاران خواهیم شد.

مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری با اشاره به بازبینی کاربری‌های مجتمع تجاری نگین خاوران گفت: این پروژه قبلاً صرفاً تجاری بود اما اکنون یک طبقه از مجتمع به کاربری‌های ورزشی اختصاص یافته و امکان تعریف کاربری‌های فرهنگی و ورزشی در پروژه‌های بزرگ جدید فراهم شده است.

گزارش

«فرهنگ رانندگی» گمشده‌ای در بحران ترافیک تبریز

طرح نو؛ گروه شهری
تبریز در گرداب ترافیکی غرق شده است اما راه نجات این کلان‌شهر تنها در احداث خیابان‌ها یا پل‌های جدید نیست. فرهنگ رانندگی همان گمشده‌ای است که با رفتارهای به ظاهر کوچک، روزانه ساعت‌ها از زمان شهروندان تبریزی را بلعیده و آرامش را از شریان‌های حیاتی شهر می‌دزد.

ترافیک کلانشهر تبریز این روزها به معضلی لاینحل و فرسایشی برای شهروندان تبدیل شده است. اگرچه کمبود زیرساخت‌ها و افزایش حجم خودروها از دلایل شناخته‌شده این بحران هستند، اما به نظر می‌رسد فرهنگ رانندگی حلقه گمشده و عاملی تعیین‌کننده در تبدیل این چالش به یک بحران روزمره باشد. شاید تصور بسیاری این باشد که ترافیک، تنها محصول کمبود خیابان و بزرگراه است، اما گزارش میدانی فارس از خیابان‌های کلانشهر تبریز نشان می‌دهد چگونه رفتارهای پرتکرار و کوچک رانندگی که ریشه در فرهنگ رانندگی دارد، شریان‌های حیاتی شهر را مسدود و زمان و آرامش شهروندان را به یغما می‌برد. مصادیق عدم رعایت فرهنگ رانندگی که ترافیک می‌آفریند در گشت‌زنی میدانی خبرنگار فارس در کوران ترافیک ساعت اوج صبح و عصر تبریز، رفتارهایی بیشترین سهم را در ایجاد و تشدید ترافیک دارند.

تصور غلط حق تقدم در دوربرگردان‌ها، یکی از اصلی‌ترین دلایل قفل شدن تقاطع‌هاست. رانندگانی که



مسیر تک‌باند به چپ، تمامی مسیر مقابل را می‌بندند و با ایجاد یک گلوگاه، موجی از ترافیک را به سمت عقب ارسال می‌کنند. این صحنه به‌ویژه در تقاطع‌های پرتدد به کرات مشاهده می‌شود. پارک غیرقانونی در حاشیه خیابان‌های اصلی، حتی برای چند دقیقه، به معنای حذف یک باند کامل ترافیکی است. این پدیده در مراکز خرید، مقابل بانک‌ها و مطب‌های پزشکی، خیابان را به یک

ناگهانی، باعث ایجاد گیر ترافیکی و افزایش احتمال تصادف می‌شوند. استفاده نابجا از بوق را نیز می‌توان عاملی برای افزایش تنش‌های رانندگان و ایجاد ترافیک به دنبال آن دانست. بوق، این ابزار هشدار در ترافیک تبریز به ابزاری برای ابراز خشم و عجله تبدیل شده است. این عمل نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه با افزایش استرس جمعی و ایجاد فضای پرتنش، تصمیم‌گیری منطقی رانندگان را مختل کرده و به طور غیرمستقیم بر روانی حرکت خودروها تأثیر منفی می‌گذارد. حرکت مارپیچ و تغییر خطوط مکرر نیز از دیگر اشتباهات فرهنگ رانندگی است. عده‌ای با این توهم که با تعویض مکرر خط رانندگی، سریع‌تر به مقصد می‌رسند، با ایجاد اختلال در جریان روان ترافیک در تمامی خطوط، باعث کاهش سرعت متوسط کل وسایل نقلیه و افزایش خطر تصادف می‌شوند.

نقش گمرنگ فرهنگ‌سازی و برخورد قاطع
اگرچه پلیس راهور در برهه‌هایی اقدام به اجرای طرح‌هایی برای ارتقای فرهنگ رانندگی کرده، اما به نظر می‌رسد این اقدامات دارای تداوم و ضمانت اجرایی کافی نبوده‌اند. ترافیک، آینه فرهنگ جامعه ترافیک تبریز تنها یک مشکل فنی نیست. این پدیده، آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ عمومی جامعه است. بی‌توجهی به حقوق دیگران، عجله بی‌حاصل و فردگرایی افراطی در پشت فرمان خودروها، همان رفتارهایی است که در سایر عرصه‌های اجتماعی نیز قابل ردیابی است. راه برون‌رفت از این بحران، تنها در گرو پروژه‌های عمرانی عظیم نبوده بلکه نیازمند یک عزم عمومی و جرأت فرهنگی برای نقد و اصلاح رفتارهای خود در جایگاه شهروند راننده است. / فارس

دیدگاه کارشناسی: یک بیماری فرهنگی با درمان بلندمدت

سجاد ظفری، کارشناس حوزه حمل‌ونقل و ترافیک است که در گفتگو با فارس بر لزوم نگاه فرهنگی به این معضل تأکید دارد. وی در این رابطه می‌گوید: ما در ترافیک با یک سیستم زنده روبرو هستیم. رفتار هر راننده مانند یک سلول در این بدن است. وقتی تعداد زیادی